Journal of Islamic Human Rights
Volum 1, Consecutive Number 1, 2024
Journal Homepage: https://islamichumanrights.ir/
This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Rights and Responsibilities in the Islamic Declaration of Human Rights Within the Current Legal Framework

Saeed Saleh Ahmadi

Responsible For Training and Specialized Advocacy of The Center's Center of Applied Science and Lawyers Association. ssalehahmadi@yahoo.com

Abstract

The Islamic Declaration of Human Rights (IDHR), grounded in Sharia principles, provides a distinctive framework for the realization of human rights. This framework can foster respect and mutual cooperation among individuals regardless of race, religion, language, or nationality, thereby serving as a platform for interfaith and intercultural dialogue. This study offers a legal and occasionally jurisprudential interpretation of Articles 11 to 25 of the IDHR, scrutinizing their content, identifying shortcomings, and evaluating their capacity to address contemporary challenges. The research also compares the IDHR with the Universal Declaration of Human Rights (UDHR) and the International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), highlighting both similarities and divergences, alongside the advantages of the IDHR. Findings reveal that, despite sharing numerous commonalities with international instruments, the IDHR introduces distinctive elements rooted in moral and human values. Through a methodical article-by-article analysis using a library-based approach, the paper explores the declaration's content. The IDHR emphasizes rejecting practices such as coercion in religion, slavery, colonialism, discrimination, hoarding, usury, and defamation while recognizing rights like self-determination, property ownership, the right to work, job security, equality before the law, and access to fair trials. This research concludes that the IDHR, with its emphasis on social justice, high ethical values, and human dignity, offers a moderate and noteworthy legal model. Grounded in both Sharia and humanistic principles, it contributes significantly to the advancement of human rights and the recognition of fundamental rights.

Keywords: Interpretation, Declaration, Human Rights, Islamic Law

- Saleh Ahmadi, S. (2024). Rights and Responsibilities in the Islamic Declaration of Human Rights Within the Current Legal Framework, *Journal of Islamic Human Rights*, 2(1), 1-41.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

مجله حقوق بشر اسلامی
دورۀ اول ـ شمارۀ اول ـ ۱۴۰۳
صفحات ۱-۴۱ (مقاله پژوهشی)
تاریخ: دریافت ۱۴۰۳/۰۶/۰۶ـ پذیرش ۱۴۰۳/۰۹/۲۹ ـ انتشار ۱۴۰۳/۱۰/۱

حق‌ها و مسئولیت‌ها در اعلامیه حقوق بشر اسلامی در نظم حقوقی کنونی

سعید صالح‌احمدی*
مسئول آموزش و وکالت تخصصی دانشگاه علمی کاربردی کانون وکلای دادگستری مرکز.
ssalehahmadi@yahoo.com

چکیده

انسان‌ها و دولت‌های اسلامی دارای یک سری حقوق و تکالیف شرعی و قانونی نسبت به یکدیگر هستند که برخی از آنها در اعلامیه حقوق بشر اسلامی مورد تبیین قرار گرفته است. وقتی ما آن موارد را مورد مطالعه قرار می‌دهیم درمی‌یابیم که عموماً آن حقوق و تکالیف، در اسناد بین‌المللی نیز تحت شناسایی و حمایت هستند اما برخی امور، خاصه حقوق اسلامی است که می‌تواند در گفت‌وگوی تمدن‌ها و گفت و گوهای بین مذاهب، به بحث و تبادل نظر گذاشته شود تا بیشتر از پیش، انسان‌ها بتوانند صرف نظر از مذهب، زبان، نژاد، رنگ، ملیّت، دیدگاه و غیره در پاسداشت حقوق یکدیگر، نهایت هم‌افزایی را به عمل آورند. ما در این مقاله، مواد ۲۵-۱۱ «اعلامیه حقوق بشر اسلامی» را ضمن تشریح وجوه افتراق و اشتراک آن مواد با «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، به شیوه مرسوم (تفسیر ماده به ماده)، به بیان برتری‌های اعلامیه حقوق بشر اسلامی نسبت به آن دو پرداخته و محتوای اعلامیه را در نفی برخی امور و رفتارها (اکراه و بهره‌برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر اسلام به دینی دیگر یا به الحاد، بردگی، استعمار، اشغال کشورهای اسلامی، تبعیض، احتکار، بهره‌کشی، اضرار به غیر، فریب، ربا، جاسوسی، سلب حیثیت، گروگانگیری، سوء استفاده از تبلیغات، برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر نوع حسّ تبعیض نژادی، سوء استفاده و استبداد) و شناسایی برخی حقوق (حق تعیین سرنوشت، حق حفظ شخصیت مستقل و سلطه انسان بر منابع و ثروت‌های طبیعی، حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت، حق بر پناهندگی، حق بر کار، حق امنیت شغلی، حق بر سلامت، حق بر مزد عادلانه، حق بر مرخصی، حق بر ترفیع، حق بر پاداش، حق دادرسی کار، حق کسب مشروع، حق مالکیت، حق سود بردن از دستاوردهای علمی یا ادبی یا هنری یا فناوری، حق تأمین بهداشتی و اجتماعی، تضمین مایحتاج اساسی، حق بر زندگی در نهایت آسودگی، حق استقلال در زندگی خصوصی، حق حرمت مسکن، حق تساوی در برابر شرع، حق مراجعه به محاکم، شناسایی مسئولیت شخصی، اصل شرعی بودن جرم و مجازات، حق قانونی بودن دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید، یا مجازات، مشارکت در اداره امور عمومی کشور و تصدی پست‌های عمومی، آزادی بیان و دعوت به خیر و نهی از منکر) تفسیر، نقد و آسیب‌شناسی قرار داده‌ایم.

کلیدواژه: تفسیر، اعلامیه، حقوق بشر، حقوق اسلامی

– صالح‌احمدی، سعید. (۱۴۰۳). حق‌ها و مسئولیت‌ها در اعلامیه حقوق بشر اسلامی در نظم حقوقی کنونی، مجله حقوق بشر اسلامی، ۲(۱)، صفحات ۱-۲۵.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

آزادی و استقلال فردی و تحریم استعمار و بهره‌کشی

ماده یازدهم

این ماده بر آزادی و برابری انسان‌ها و ممنوعیت بردگی تأکید دارد. در مقایسه، ماده ۴ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» که در مقام منع بردگی و بهره‌کشی و حقّ آزادی و امنیت شخصی است و مادتین ۸-۷ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» نیز به ممنوعیت بردگی و کار اجباری و حقّ رهایی از شکنجه دیدن و رفتار غیرانسانی اشاره دارند، اما برتری ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر اسلامی در تحریم استعمار و الزامات دولت‌ها برای حمایت از ملت‌های تحت ستم است، که ابعاد وسیع‌تری از حمایت حقوقی ارائه می‌دهد و به مبارزه با استعمار توجه بیشتری دارد، در حالی که اعلامیه جهانی بیشتر بر بردگی فردی تمرکز دارد.

- اعلامیه حقوق بشر اسلامی (ماده ۱۱) آزادی انسان از هر نوع بردگی و تحریم شدید استعمار را مطرح می‌کند و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد. اعلامیه حقوق بشر اسلامی با تأکید بیشتر بر استعمار به‌عنوان بدترین نوع بردگی، اعلامیه حقوق بشر اسلامی از قیاس اولویت بهره برده و رویکردی جامع‌تر نسبت به عدالت و کرامت انسانی دارد.

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» (ماده ۴) و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (ماده ۸)، هر دو سند به طور مشابه بردگی و کار اجباری را ممنوع کرده‌اند، اما تأکید بر استعمار و حمایت از ملت‌ها در مبارزه با استعمار در آنها کمتر به‌وضوح بیان شده است.

الف) بند (الف) اشعار نموده: «انسان آزاده متولد می‌شود و هیچ احدی حقّ به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن، یا به بندگی کشیدن او را ندارد مگر خدای تعالی.» بخشی از این بند، دربردارنده موضوعات مختلفی است ازجمله آنکه خوار، ذلیل، سرکوب و منهزم نمودن شهروندان با استفاده از رفتار خشن و مغایر با کرامت انسانی را نفی نموده است.

تحقیق کرده‌اند که در قرآن، ۷۴ دفعه از عبارت «دون الله» (غیر خدا) در مورد کسانی که معبودهایی غیر از یگانه خداوند قادر متعال انتخاب می‌کنند و البته غیر خدا، ولی و نصرت‌رسان دیگری وجود ندارد (آیات ۱۰۷ و ۱۶۵ سوره بقره) و حتماً زیان آشکاری متوجه آنها به دلیل برگزیدن شیطان به جای خدا خواهد بود (آیه ۱۱۹ سوره نساء) استفاده شده است. در نهج‌البلاغه نیز با استفاده از عبارت «لاَ تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللهُ حُرّاً:

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

بنده غیر خدا مباش؛ زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است.» (علی بن ابی طالب، نامه ۳۱، بی‌تا: ۶۴۷) بندگی غیر خدا نمودن، سخت مورد نکوهش قرار گرفته و در آن رابطه، هشدار داده شده است. «نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» یکی از طرقی است که جزء (ج) از بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان داشته که «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» باید از آن شیوه تأمین گردد. در مورد اقتصاد نیز بند ۴ اصل ۴۳ قانون اخیر، «رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معیّن و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری» را یکی از ضوابط لازم برای «تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او» اعلام نموده است. حکم بر این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز براساس اصل ۱۵۲ قانون اساسی باید بر مبنای «نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب» استوار باشد.

ب) بند (ب) ماده ۱۱ استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار اینکه بدترین نوع بردگی است را شدیداً شایسته تحریم اعلام نموده و در ادامه اشعار داشته: «... ملت‌هایی که از آنها رنج می‌کشند، حق دارند از آن رهایی یافته و سرنوشت خویش را تعیین کنند.» سپس در ادامه بیان نموده: «همه دول و ملل نیز موظفند از این گروه در مبارزه علیه نابودی هر نوع استعمار و اشغال یاری نمایند. همه ملت‌ها نیز حقّ حفظ شخصیّت مستقل و سلطه خود بر منابع و ثروت‌های طبیعی را دارند.» در رابطه با این بند، چند نکته، حائز اهمیت است:

۱. «استعمار» به معنای حضور بیگانگان یا دول بیگانه در یک کشور به منظور با ادعای آبادانی (عمران) و تمدن‌سازی در آن سرزمین است. اما درواقع، بیشتر در راستای تلاش کشورهای پیشرفته نظامی، سیاسی و اقتصادی برای چیرگی بر منابع طبیعی و موقعیت اقتصادی (ماهیتاً به‌منظور استثمار و بهره‌کشی از منابع و انسان‌ها) است (رهنما، ۱۳۵۰: ۱۵) که البته گاه در راستای تغییر ساختارهای اجتماعی یا تغییر تدریجی در جغرافیای سیاسی منطقه یا تأثیرگذاری روی فرهنگ ملی کشور مورد استعمار یا انجام رقابت‌های اقتصادی، سیاسی و غیره کشورهای قدرتمند با یکدیگر و ایجاد انواع نفوذ در آن اتفاق افتاده است. بند ۵ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

اجانب» را یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم با به‌کارگیری همه امکانات خود اعلام نموده است.

۲. در مورد جلوگیری از سلطه بیگانگان بر منابع و ثروت‌های طبیعی، اصل ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشعار نموده: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.»

به نظر می‌رسد شایسته‌تر آن است که فروش منابع طبیعی (به‌ویژه به نحو ماده خام و فرآوری‌نشده (Raw Material) درصورتی‌که مقرون به صرفه نباشد یا تبدیل آن به فراورده‌های مربوطه، مخلّ محیط زیست باشد) باید مشروط به شرایطی شود که بر مبنای آن بتوان ضمن در نظر داشتن تمامی موازین حاکم بر «توسعه پایدار» (Sustainable Development) فروش منابع و ثروت‌های طبیعی (در صورت مصلحت) به بهای عادله و مقبول و البته با استفاده از امکانات و تجهیزات منطبق و هماهنگ با محیط زیست، آسیب‌های زیست‌محیطی را کاهش یا فوراً جبران نمود و امکان احیاء و بازتولید موارد قابل تولید را نیز پیش‌بینی و شرط کرد. (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: افتخار جهرمی، ۱۳۸۸: ۲۴-۹) همه این اقدامات کمک می‌کند تا حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار با هم هماهنگ و هم‌افزا باشند.

حق انتخاب اقامتگاه و حقّ بر پناهندگی

ماده دوازدهم

ماده ۱۴ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» حق پناهندگی را تصریح کرده اما به محدودیت شرعی اشاره نمی‌کند. ماده ۱۲ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» نیز «حق ورود و ترک کشور و حق جابه‌جایی» را مورد شناسایی قرار داده است. ماده ۱۴، حق پناهندگی به ظلم‌دیدگان را با محدودیت‌های شرعی ارائه می‌دهد. شرط عدم ارتکاب جرم شرعی، نظم اجتماعی و اخلاقی را تقویت می‌کند که به نوعی حمایت بیشتر از جامعه است و از سوءاستفاده‌های احتمالی از حق پناهندگی جلوگیری می‌کند.

در رابطه با ماده ۱۲ که اشعار نموده: «هر انسانی بر طبق شریعت، حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن، می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود، و بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

مدارا کند، تا اینکه پناهگاهی برایش فراهم شود، با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.» چند موضوع وجود دارد که از قرار ذیل است:

۱. حق بر داشتن اقامتگاه: در اصطلاح حقوقی «اقامتگاه به معنی محل سکنای شخص و مرکز مهم امور او. اقامتگاه همچون «اسم» از مشخصات هر شخص حقیقی یا حقوقی است. اقامتگاه در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل خصوصی دارای اهمیت و آثار گوناگونی است. اقامتگاه در فقه اسلامی عنوان خاصی ندارد و مواد ۱۰۰۲ تا ۱۰۱۰ قانون مدنی ایران با استفاده از حقوق جدید اروپا، به‌ویژه از قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است. مبنا در تعیین اقامتگاه «مرکز مهم امور» است و اگر قانون مدنی به «محل سکونت» توجه نموده، از این روست که غالباً مرکز مهم امور فرد همان محل سکنای وی نیز هست. این مبنا در حقوق فرانسه و کشورهای تابع نظام حقوقی رومن و ژرمن نیز پذیرفته شده است، چنان‌که مادهٔ ۱۰۲ «قانون مدنی فرانسه» از آن به «مرکز اصلیِ» شخص تعبیر کرده است.» (محقق داماد، بی‌تا: ۳۳۷۱) براساس ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «... احدی در ... اقامتگاه ... خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود ...» حقّ برداشتن اقامتگاه، ازجمله حقوق اساسی انسان و ناظر بر حفظ کرامت و مقام والای او به صرف انسان بودن است. انسان باید مأوا و منزلی داشته باشد و اقامتگاهش نیز به جهت برخی حقوق و تکالیف، معیّن و واحد باشد. از نظر حقوقی نیز هیچکس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد؛ زیرا آثار متعددی بر برخورداری از این حق، مترتّب است.

۲. حق بر آزادی رفت‌وآمد: این حق که از آن تحت عنوان «حق آزادی ایاب و ذهاب» (حق بر آزادی آمدوشد) نیز یاد کرده‌اند، از اهمّ حقوق فردی و آزادی‌های عمومی محسوب می‌شود که بر مبنای آن، اصولاً همگان حق دارند بدون هیچ محدودیت غیرقانونی و یا نانوشته‌ای، امکان مسافرت به هر نقطه از جهان که بخواهند و بازگشت به مبدأ را داشته باشند. (قاضی، ۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۴۴. شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۳۷)

از آنجا که بندهای هفتم، نهم و چهاردهم اصل سوم قانون اساسی، تعبیرات «آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» و «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد» و «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» را به کار برده و اینها را وظایف دولت می‌داند می‌توان نتیجه گرفت که آزادی رفت‌وآمد نیز ازجمله حقوق و آزادی‌هایی است که باید برای مردم به رسمیت شناخته

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

شود.» (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۳۹) بند (الف) ماده ۱۳ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» نیز بیان داشته که: «هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.» قانونگذار ایرانی در ماده ۳ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ اشعار نموده: «خروج از کشور بدون ارائه گذرنامه یا مدارک مسافرت مذکور در این قانون ممنوع است.» در مورد بخش پایانی اصل ۳۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اشعار نموده: «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.» استثنائاتی بر «اصل آزادی رفت‌وآمد»، در حقوق ایران وجود دارد که برخی از آنها از قرار ذیل است:

الف) در ایران، به موجب بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰: «زنان شوهردار ولو کمتر از ۱۸ سال تمام با موافقت کتبی شوهر و در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه که مکلف است نظر خود را اعم از قبول درخواست یا رد آن حداکثر ظرف ۳ روز اعلام دارد کافی است. زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی‌که شوهر خارجی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی باقی مانده‌اند از شرط این بند مستثنی می‌باشند.» رویه وزارت امور خارجه ایران در این خصوص چنین است که برای صدور گذرنامه جهت بانوان دارای همسر ایرانی و یا فرزندان زیر ۱۸ سال نیاز به اجازه کتبی همسر و یا پدر می‌باشد. در مواقعی که به هنگام صدور گذرنامه همسر یا پدر حضور ندارند رضایت‌نامه از طریق مرکز با مراجعه زوج به بخش مقیمین و ارائه مدارک لازم همچنین تکمیل و امضاء فرم رضایتنامه صدور و اخذ گذرنامه؛ صدور اجازه خروج از کشور برای «یک‌بار» یا «دو بار» یا «خروج مکرر» و همچنین تغییر محل اقامت برای همسر و فرزندان به محلی که درخواست گذرنامه ارائه می‌شود، ارسال خواهند کرد. مبنای وجودی ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه در ایجاد محدودیت برای زنان، در دنیای امروزه که مقام و منزلت زن، بیشتر از همیشه درک می‌شود، چندان مقبول نیست؛ زیرا، این رویکرد، نوعی نگاه تبعیض‌آمیز، قیم‌مآبانه و مردسالارانه در هنگام وضع قانون نسبت به مسئله حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی زنان به‌ویژه برابری جنسیتی است.

ب) حقوق برخی از کشورها، مسافرت به مقاصد معینی (مانند سرزمین‌های اشغالی در فلسطین) را ممنوع و حتی جرم‌انگاری کرده‌اند تا از شهروندان خود در مقابل دشمن معین

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

و همچنین سیاست خارجی مدنظرشان صیانت کنند. ماده ۲۴ قانون گذرنامه در این خصوص اشعار نموده: «گذرنامه برای مسافرت به کلیه کشورها اعتبار دارد مگر به کشورهایی که دولت در موارد مقتضی مسافرت اتباع ایران را به آن کشورها ممنوع و یا محدود نموده باشد. درصورتی‌که بعد از صدور گذرنامه محدودیتی مقرر شود وجوه پرداختی کسانی‌که از مسافرت محروم شوند به آنها مسترد می‌گردد. نحوه اجرای مفاد این ماده ضمن آیین‌نامه اجرایی این قانون معین خواهد شد.» ماده ۹ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۹ در این خصوص اشعار نموده: «... ورود کلیه صهیونیست‌های تابع رژیم اشغالگر صهیونیستی شامل اشخاص حقیقی یا حقوقی که تابعیت رژیم صهیونیستی را دارند، به جمهوری اسلامی ایران ممنوع است. در صورت ورود به حبس تعزیری درجه ۵ و اخراج از کشور محکوم می‌شوند.» بنابراین با توجه به وجود عبارت «اشخاص ... حقوقی»، کلیه اشخاص حقوقی دارای شخصیت حقوقی اعم از سازمان‌های مردم‌نهاد، مؤسسات اقتصادی، تجاری، مالی، علمی، فرهنگی، پژوهشی و امثال آن نیز اجازه و ورود به ایران از طریق تأسیس نمایندگی در ایران را ندارند؛ زیرا، براساس ماده ۸ قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین مصوب ۱۳۶۹/۰۲/۱۹: «هر نوع برقراری رابطه اقتصادی و تجاری و فرهنگی با کمپانی‌ها و مؤسسات و شرکت‌های وابسته به صهیونیست‌ها در سطح جهان ممنوع می‌باشد.» ماده ۱۰ بعدی قانون اخیر نیز بیان داشته: «سفر اتباع ایرانی به سرزمین فلسطین اشغالی ممنوع است. مرتکب به مجازات حبس تعزیری درجه ۵ و محرومیت از داشتن گذرنامه به مدت ۲ تا ۵ سال محکوم می‌شود. همچنین مراوده و ارتباطات غیر اتفاقی بین اتباع ایرانی و اتباع رژیم اشغالگر صهیونیستی ممنوع است و مرتکب به مجازات حبس تعزیری درجه ۶ محکوم می‌شود.» پس، بنابر مفهوم مخالف این ماده، مراوده و اراتباطات اتفاقی بین اتباع ایرانی و اتباع رژیم اشغالگر صهیونیستی، فاقد بار کیفری است. در اینجا ماده باید به نحو مضیّق، به نفع متهم و در محدوده نص، تفسیر و به اجراء گذاشته شود.

۳. حق بر پناهندگی: براساس جزء (الف) از بند ۱ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱) مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱۷ از لحاظ کنوانسیون مزبور، اصطلاح «پناهنده» به شخصی اطلاق می‌گردد که به موجب ترتیبات مورخ ۱۲ مه ۱۹۲۶ و ۳۰ ژوئن ۱۹۲۸ یا به موجب کنوانسیون‌های مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۳۳ و ۱۰ فوریه ۱۹۳۸ یا پروتکل مورخ ۱۴

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

سپتامبر ۱۹۳۹ یا اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان پناهنده تلقی شده است. بر مبنای «تصریح» یا «اطلاق و عموم» موادی از «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، پناهندگان از تمامی حقوق و آزادی‌ها (ماده ۲)، حق حیات و امنیت فردی (ماده ۳)، حق بر منع توأمان شکنجه و ارتکاب رفتار مخالف با شأن انسانی آنها (ماده ۵)، حق بر برابری به اندازه همگان در برابر قوانین (ماده ۷)، حق آزادی عبور و مرور (ماده ۱۳)، حق بر آزادی انتخاب اقامتگاه (ماده ۱۳)، حق بر برخورداری از شغل و حرفه (ماده ۲۳) و حق بر آموزش و پرورش عالی برخوردار هستند. در کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل و پروتکل ۱۹۷۶، حقوقی برای پناهندگان در نظر گرفته شده که مهمترین آنها، منع تبعیض از لحاظ نژاد یا مذهب یا سرزمین اصلی (ماده ۳)، حق پناهنده در رابطه با اجرای مسائل و آموزش‌های دینی و مذهبی در همان محدوده و قلمرویی که برای اتباع خود اتخاذ نموده‌اند (ماده ۴)، حق اشتغال همراه با دستمزد (ماده ۷)، حق برخورداری از جیره‌بندی‌های عمومی (ماده ۲۰) و حق بر آزادی رفت‌وآمد (ماده ۲۶) هستند.

حقوق ناشی از حق بر کار

ماده سیزدهم

این ماده ضمن شناسایی حق کار، حق انتخاب شغل، امنیت و سلامت، تصریح نموده که حقوق کارگران شامل انتخاب آزاد کار، عدالت در مزد، و مداخلات دولت در حل اختلافات کاری است. ماده ۲۳ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» نیز به حق کار اشاره دارد، اما تأکید بیشتری بر آزادی و امنیت کار و دخالت دولت در رفع اختلافات کاری ندارد. اسلام با تأکید بر عدالت در روابط کاری و دخالت دولت به‌عنوان ضامن حقوق، رویکرد حمایتی بیشتری دارد. تأکید بر امنیت شغلی و مسئولیت‌های اخلاقی کارگر در قبال کار، به منظور حفظ عدالت اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تر در جامعه، نشانه تفکر جامع‌تر اعلامیه حقوق بشر اسلامی است. ماده ۶ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» حق کار، شرایط منصفانه و حقوق برابر را مورد شناسایی قرار داده است.

۱. صدر ماده ۱۳ «کار» را عبارت از حقی دانسته است: «... که باید دولت و جامعه برای هر کسی که قادر به انجام آن است، تضمین کند.» کار به‌عنوان یکی از حقوق انسان‌ها که از موجبات کرامت انسانی، عزت و رفاه آنهاست را باید براساس تعریف حقوق کار،

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

ماهیت و کارکرد آن، تعریف و درک کرد. برخی از حقوقدانان اشعار نموده‌اند: «حقوق کار بر کلیه روابط حقوقی که از انجام کار برای دیگری ناشی می‌شود و در هر مورد که اجرای کار با تبعیت نسبت به کارفرما همراه باشد، حاکم است و به عبارتی حقوق کار به بررسی، تجزیه و تحلیل و ارزیابی مقررات حمایتی و آمرانه‌ای می‌پردازد که ناظر به روابط تبعیتی کار می‌باشد و هدف آن تأمین امنیت، عدالت و نظم اجتماعی است.» (عراقی، ۱۳۸۸: ۱۵) انسان فاقد کار، صرف‌نظر از جنسیت، مذهب، نژاد و غیره، حتماً به جامعه آسیب خواهد زد؛ زیرا، کرامت انسانی‌اش لطمه‌دیده و به‌طور معمول، چنین افرادی، از نظر تأمین معاش، اگر وابسته به خانواده نباشند، تحت آلام روحی قرار دارند.

«کرامت ذاتی انسانی که به اصول انسانیت پایبند است مسلتزم یک سری حقوق مشترک اجتماعی برای او می‌باشد؛ مانند: حق حیات، اندیشیدن، بهره‌برداری از منابع طبیعی و اقتصادی و در این جهت تفاوتی بین مسلمان و غیر مسلمان وجود ندارد. و اصولاً اگر تفاوت عقیده موجب تفاوت در این قبیل از حقوق می‌بود، می‌بایست مسلمانی که ایمانش قوی‌تر و کامل‌تر است، از آن حقوق، بیشتر در جامعه برخوردار باشد؛ درصورتی‌که هیچ‌کس به این معنا ملتزم نیست.» (منتظری، ۱۳۸۷: ۷۸)

۲. ادامه ماده ۱۳ اشعار نموده: «و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد، به گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود.» برخش در رابطه با تعریف مصلحت اشعار نموده‌اند: «مصلحت در اصطلاح به معنای سبب رسیدن به مقصود شارع و به دست آوردن آن است اعم از عبادت که مربوط به حق خود شارع است یا عادت که برای نفع بندگان و انتظام معاش و احوال آن‌هاست.» (ابن تیمیهٔ، بی‌تا: ۲۶۳؛ حکیم، بی‌تا: ۳۸۱) در این بخش از ماده ۱۳، بیان گردیده که کار باید توأمان، به مصلحت خودِ کننده کار و جامعه باشد. البته باید دانست که بین ایجاد شغل در جامعه و نیاز جامعه، باید نیازسنجی‌های لازم انجام شود. در این راستا، اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان داشته: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: صالح‌احمدی، ۱۴۰۲: ذیل اصول ۳۵ و ۲۸) از این جهت، وضع قوانینی مانند قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، در مغایرت کامل با اصل اخیر است. (صالح‌احمدی، ۱۴۰۲)

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

امروزه وقتی صحبت از «کار» می‌شود، منظور و مراد، «کار شایسته است. در این خصوص باید دانست «طرح مفهوم کار شایسته در ۱۹۹۹ از سوی دبیرکل سازمان بین‌المللی کار، حقوق کار را وارد عرصه جدیدی نمود. پهنه‌ای برخوردار از هر دو ویژگی (استمرار و نوآوری) که بازتاب اصرار سازمان بر حداقل‌هایی از بایدهای حقوق کار است. کار شایسته به‌عنوان نقطه تمرکز و اشتراک چهار هدف راهبردی ارتقای حقوق بنیادین کار (شامل لغو کار اجباری، آزادی انجمن‌ها و حمایت از حق تشکل، تساوی مزد و منع تبعیض، حداقل سن کار و محو بدترین اشکال کار کودک)، اشتغال، حمایت اجتماعی و گفتگوی اجتماعی است.» (ابدی، ۱۳۹۲: ۹۱) برخی از حقوقدانان در رابطه با «کار شایسته» اشعار نموده‌اند: «سازمان بین‌المللی کار معتقد است که کار شایسته در بُعد فردی به دنبال تضمین کرامت انسانی برای اشخاص بوده و از بُعد اجتماعی به منزلهٔ یک استراتژی توسعه به شمار می‌رود. کار شایسته در مفهومی جامع، نقطه تمرکز تحقق چهار هدف راهبردی حقوق بنیادین کار، اشتغال مولد، حمایت اجتماعی و گفت‌وگوی اجتماعی است.» (حسینی، ۱۳۸۳) ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان و مردان به منظور دستیابی به کار مناسب و مولد در شرایط آزاد، ایمن و همراه با کرامت و منزلت انسانی» تعریفی است که سازمان بین‌المللی کار از «کار شایسته» در سال ۱۹۹۹ ارائه داده است.» (رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۴) «کار شایسته عنصر کلیدی جهت دسترسی به شرایط عادلانه کار و کاهش فقر است. این امر به‌عنوان آمال و آرمان‌های یک فرد در حیات کاری وی تلقی می‌شود. تجربه نشان می‌دهد که رشد اقتصادی به تنهایی کافی نیست و باید برای توانمندسازی افراد از طریق کار شایسته و برخورداری آنان از حمایت‌های اجتماعی اقدام نمود. هدف اولیه و مهم سازمان بین‌المللی کار، ارتقای فرصت‌ها برای زنان و مردان جهت دستیابی به کار شایسته و مولد در شرایط آزادی، برابری، امنیت و کرامت انسانی است. کار شایسته و چهار پایه و ستون آن یعنی اشتغال، حمایت اجتماعی، حقوق کارگران و گفتگوهای اجتماعی رکن به هم پیوسته برای دستیابی به توسعه پایدار هستند.» (رحمانی، ۱۴۰۰: ۷۱) پس، این موضوع (کار شایسته) مربوط به توسعه پایدار جوامع بشری است. از این جهت است که در این خصوص ماده ۲۵ (اصلاحی، ۱۳۹۰) برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) اشعار نموده: «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است حداکثر تا پایان سال اول برنامه، سند ملّی کار شایسته را حسب مصوبات سازمان بین‌المللی کار و حقوق کار و حقوق کارگران و کارفرمایان در

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

جهت تثبیت حقوق بنیادین کار و برای بهبود روابط کارگر و کارفرما به شکل سه‌جانبه و با مشارکت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی تنظیم نماید.» تا حرکت به سمت شایسته شدن کار باشد. این موضوع در بند (ص) منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۲۹ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. البته بر اصل مزبور، استثنائاتی نیز ممکن است کشورها به نحو معیّن، سیاست‌گذاری کنند. در حقوق ایران که نظارت اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بالای سر خود می‌بیند، کار باید مبتنی بر ضوابط و قواعد اخلاقی و شرعی نیز باشد. به دیگر تعبیر، «کار شایسته» باید در چهارچوب قوانین موضوعه و با رعایت موازین شرعی و اخلاق حسنه باشد. برخی از کارها، بنیان‌های اخلاقی جامعه و خانواده را مورد آسیب جدی قرار می‌دهد. ازجمله این کارها، «روسپی‌گری» است. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بدون در نظر داشتن اخلاق انسانی، این کار را مورد شناسایی و شایسته حمایت دانسته است. همین مواد باعث مخالفت گسترده با کنوانسیون مزبور در حقوق ایران شد در حالی که با «حق شرط» می‌توانیم ضمن استثنا نمودن این قبیل مواد قانونی مغایر با روح حقوق ایران، به کنوانسیون مزبور بپیوندیم. (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: محمدتقی‌زاده، ۱۴۰۲) برخی از حقوقدانان در این خصوص اشعار نموده‌اند: «براساس ماده ۱۱ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، روسپیگری نوعی حرفه قابل پذیرش است. حال آنکه در ماده ۱۳ اعلامیه حقوق بشر اسلامی، آزادی انتخاب کار شایسته و نه هر حرفه‌ای را دارد به گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود که طبعاً عمل فوق جرم است.» (راعی، ۱۳۸۲: ۲۶۱)

۳. ادامه ماده ۱۳ بیان داشته: «هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تأمین‌های اجتماعی برخوردار باشد»

در این خصوص، در رابطه با ضرورت «امنیت شغلی» اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم نموده: «... شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» مقاوله‌نامه شماره ۱۵۸ مصوب ۱۹۸۳ سازمان بین‌المللی کار نیز بیان داشته: «جز در صورت وجود یک دلیل موجه، کارگر نباید اخراج شود.» (عراقی، ۱۳۸۸: ۲۸۷) ماده ۲۱ قانون کار نیز درخصوص امکان اخراج کارگر به‌عنوان یک امر استثنایی بیان می‌دارد که: «در مواردی که کارگر در انجام وظائف محوله قصور ورزد، و یا آیین‌نامه‌های انضباطی کارگر را پس از تذکرات کتبی، نقض نماید. در این صورت کارفرما با پرداخت حق و حقوق او و رعایت تشریفات قانونی می‌تواند او را اخراج نماید.» اصل ۲۹ قانون

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بیان داشته: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.»

۴. ادامه ماده ۱۳ اشعار نموده: «و نباید او را به کاری که توانش را ندارد، واداشت یا او را به کاری اکراه نمود، یا از او بهره‌کشی کرد، یا به او زیان رساند» «رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری» یکی از ضوابطی است که وفق بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او»، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر آن باید استوار شود. انسان جویای کار، باید توانمند باشد؛ زیرا، از انسان ناتوان، انتظاری نمی‌رود. یکی از مصادیق مندرج در «حدیث رفع» (رُفع عن امتی تسعهٔ اشیاء: الخطا و النسیان و ما اکرهوا علیه و مالا یعلمون و مالا یطیقون و ما اضطروا الیه و ما استکرهوا علیه والطیرهٔ و الوسوسهٔ فی التفکر فی الخلق و الحسد ما لم یظهر بلسان او یَد) موردی است که انسان توانایی لازم برای انجام آن را ندارد. (ر.ک به: حرّ عاملی، بی‌تا: ۲۹۵) به‌طورکلی، انسان، طاقتی دارد و هر کس نیز به اندازه طاقتش باید از او اطاعت و انجام امر یا امور معینی را خواست. در فقه و علم کلام نیز «تَکْلیفِ مالا یُطاق» را نفی نموده و مردود اعلام نموده‌اند. انسان نمی‌تواند کاری را فراتر از طاقت و توان جسمی یا فکری یا روحی خود انجام داده و به سرانجام برساند. هرگونه فشار به انسان‌ها در این خصوص، رفتاری ضد حقوق بشری محسوب گردیده و بعضاً در مصادیقی، ضمانت اجراهای مدنی و حتی گاه کیفری نیز در حقوق کشورها برای مرتکبین در نظر گرفته‌اند. در حقوق ایران، به‌عنوان مثال در ماده ۲۰ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور به کارگران کمتر از ۱۸ سال و زنان ممنوع اعلام شده است؛ زیرا به‌طور معمول، انجام امور دشوار و طاقت‌فرسا برای بانوان و کارگران زیر ۱۸ سال تمام شمسی عادتاً ناممکن و مغایر با حقوق انسانی آن‌هاست. بند ۳ ماده ۱۲ قانون اخیر در مورد «کار اضافی» بیان داشته که: «کارهای سخت و زیان‌آور کار اضافی ممنوع است.» همچنین مادتین ۱۷ و ۱۸ آن قانون نیز احکام مشابهی دارد. آسیب‌پذیرترین بخش از حقوق

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

کار در کشورها، کودکان هستند که اشتغال آنها، اصولاً ممنوع است. جزء (الف) از بند ۲ ماده ۷ مقاوله‌نامه شماره ۱۸۲ سازمان جهانی کار، «جلوگیری از بهره‌گیری از کودکان در بدترین اشکال کار کودک» را یکی از تدابیر لازم برای کشورها دانسته که با در نظر گرفتن اهمیتی که آموزش و پرورش در حذف «کار کودک» دارد، باید در مورد آن برنامه‌ریزی زمان‌بندی‌شده انجام دهند. (صالح‌احمدی، ۱۴۰۲)

۵. بند ۵ ماده ۱۳ اعلامیه که بیان داشته: «... و هر کارگری بدون فرق میان مرد و زن، حق دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه می‌کند، سریعاً دریافت نماید» دارای دو موضوع مهم است:

الف) نفی تبعیض جنسیتی: «تبعیض به معنای تفرقه‌اندازی، تحقیر و نابرابری حقوق افراد یا گروه‌های گوناگون به علل مذهبی، سیاسی، گرایش جنسیتی، نقص عضو و جنسیت است. تبعیض، رابطه مستقیمی با ساختارهای قدرت اجتماعی دارد. افراد و گروه‌هایی که قدرت نفوذ اجتماعی کمتری دارند، حقوق یکسان با سایر افراد و گروه‌های متفاوت در زمینه‌های گوناگون است و در کل، همیشه مغایر با حقوق بشر است. تبعیض نوعی تمایز در اجتماعی شدن است.» (حکّاک، ۱۳۹۷: ۹۷)

«تبعیض جنسیتی باعث تخصیص ناکارای زمان کار بین زنان و مردان در وضعیت یکنواخت می‌گردد. این ناکارایی علاوه بر ایجاد شکاف جنسیتی دستمزد باعث کاهش دستمزد زنان و مردان، تولید، مصرف و رفاه خانوارها نسبت به شرایط عدم وجود تبعیض می‌گردد. نتایج حاصل از شبیه‌سازی توابع عکس‌العمل آنی متغیرهای مدل در برابر شوک سیاست پولی انبساطی نشان داد که در شرایط وجود تبعیض، افزایش دستمزد زنان و مردان، تولید، مصرف و تورم در مقایسه با شرایط عدم وجود تبعیض کمتر است. همچنین نتایج حاصل از شبیه‌سازی توابع عکس‌العمل آنی متغیرها در برابر شوک مثبت تکنولوژی نشان داد که در شرایط وجود تبعیض افزایش دستمزد زنان و مردان، تولید و مصرف در مقایسه با شرایط عدم وجود تبعیض کمتر و کاهش تورّم بیشتر است.» (زبیدی، ۱۴۰۱: ۳۷) در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر «... تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی» تأکید شده است. همچنان‌که اصول ۲۰-۱۹ قانون اخیر نیز «تبعیض جنسیتی» را مردود دانسته است. اصل ۱۹ اشعار نموده: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» در اینجا، عبارت «و مانند اینها» ناظر بر قلمروی بسیار گسترده‌ای است که «جنسیت» را نیز به دلیل محصور نبودن ماده به مصادیق معیّنه، شامل می‌شود. همچنین اصل ۲۰ صراحتاً «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان» را در حمایت قانون دانسته و تأکید نموده صرف نظر از جنسیت، انسان‌ها «از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» استفاده از نیروی کار زنان و توانمندی آنها کفایت نمی‌کند بلکه آنان باید بتوانند مزد عادلانه نیز دریافت کنند. انتخاب بانوان کارجو در راستای اینکه آنها را «نیروی کار ارزان» تلقی می‌کنند، یکی از رویکردهای ضد موازین مزد عادلانه و از مصادیق سوء استفاده از اشتغال بانوان است. (هرندی، ۱۳۸۵: ۹۹-۷۷)

ب) فوریّت دریافت مزد عادلانه در مقابل کار ارائه‌شده: این بخش از بند ۵، در راستای حفظ عزت و کرامت کارکننده مورد نگارش قرار گرفته است. مزد علاوه بر اینکه باید عادلانه باشد، لازم است به فوریت و نظم (در مقاطع معین مانند روزانه، هفتگی و ماهانه) به کارگر پرداخت شود.

در حقوق ایران، کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته دستمزد» در شورای عالی کار وجود دارد که به صورت سه‌جانبه و با حضور نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران، بنا را بر تعیین عادلانه دستمزد سالانه برای کارگران می‌گذارد هرچند رویه نشان می‌دهد در این خصوص، قدرت بر خرید و پس‌انداز کارگران در ایران، هر ساله در حال تنزل است. در این خصوص، قانون کار نقض می‌شود؛ زیرا، صرفاً «تورم رسمی» (صرف نظر از مناقشه‌برانگیز بودن نحوه محاسبه آن) ملاک قرار گرفته و موضوع به صورت همه‌جانبه بررسی نمی‌شود بدان معنا که: نماینده کارگران در جلسات شورای عالی کار به منظور تعیین دستمزد سال پیش روی کارگران، همواره تذکر می‌دهند که «تورم تحمیل‌شده بر هزینه‌های کارگر» (و نه درآمد کارگر) باید محاسبه شود. کلیه حقوق و مزایای کارگر به‌طور معمول عبارت از حقوق پایه و مزایای متداول مانند حق سنوات، اضافه‌کار، حق مسکن، حق اولاد، حق ایاب و ذهاب و حق لباس است که مالیات و کسورات قانونی و قراردادی (مانند پرداخت اقساط وام) از آن کسر می‌شود.

۶. ادامه که ماده ۱۳ اشعار نموده: «و نیز حق استفاده از مرخصی‌ها و پاداش‌ها و ترفیعات استحقاقی را دارد» به سه موضوع اشاره نموده:

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

الف) حق استفاده از مرخصی‌ها: «همان‌گونه‌که کار، عملی خلاق، مولد و تغییردهنده است، فراغت نیز فعالیت به نسبت خودانگیخته و آزادانهٔ فرد در بازآفرینی خود، خودبیانگری و بازیابی خویشتن دانسته می‌شود. مؤلفه‌های متعددی مانند ساعات کاری معقول، زمانی مختص استراحت، مرخصی‌ها و تعطیلات ادواری، زمینه‌ساز اوقاتی جهت فراغت کارگران از کار و ضامن تندرستی، ایمنی و بهره‌وری آنان خواهد بود. نظام بین‌المللی حقوق بشر به این موضوع عنایت ویژه داشته و استراحت و فراغت را به‌عنوان یک حق، در چندین سند جهانی و منطقه‌ای برای کارگران به رسمیت شناخته است.» (مقامی، ۱۴۰۲: ۱۴۰۰-۱۳۸۰)

«حق بر انواع مرخصی» (در حقوق ایران اعم استحقاقی، استعلاجی، تحصیلی، ازدواج، فوت نزدیکان، زایمان، حج، بدون حقوق و غیره) یکی از حقوق اساسی و بنیادین انسان‌ها اعم از کارمندان و کارگران محسوب می‌شود. البته این حق همواره در حقوق کشورهای پیشرفته، در حال توسعه است.

ماده ۸۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۰۸ اشعار نموده: «کارمندان دستگاه‌های اجرائی سالی ۳۰ روز حق مرخصی کاری با استفاده از حقوق و مزایای مربوط را دارند. حداکثر نیمی از مرخصی کارمندان در هر سال قابل ذخیره شدن است. همچنین ماده ۱۰۷ قانون اخیر بیان داشته: «به کارمندان مشمول این قانون که بازنشسته می‌شوند به ازای هر سال خدمت یک ماه آخرین حقوق و مزایای مستمر (تا ۳۰ سال) به اضافه وجوه مربوط به مرخصی‌های ذخیره‌شده پرداخت خواهد شد. آن قسمت از سابقه خدمت کارمند که در ازاء آن وجوه بازخریدی دریافت نموده‌اند از سنوات خدمتی که مشمول دریافت این وجوه می‌گردد کسر می‌شود.»

ب) حق بر پاداش: «کارگران مایلند بیشترین پاداش ممکن را دریافت نمایند و در مقابل بنگاه تمایل دارد حداقل پاداش ممکن را به کارگران پرداخت نماید.» (شهبازی، ۱۳۹۴: ۱۱) زیرا «مال» و هر آنچه که «مالیت» دارد، انسان دارای گرایش و تمایل برای به دست آوردن آن است. انسان‌ها حق دارند برای پاسداشت زحمات و کرامت انسانیشان از حقی تحت عنوان مزبور بهره ببرند. این موضوع، باعث افزایش کیفیت کار و انگیزه نیز می‌شود.

ج) حق استفاده از ترفیعات استحقاقی: این حق، مبتنی بر شایسته‌سالاری و براساس ارزشیابی‌های رسمی و بالا رفتن میزان سوابق و کیفیت خدمات افراد است که البته در

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

کشورهای نچندان پیشرفته اقتصادی و حقوقی، گاه تحت تأثیر سلیقه و روابط شخصی نیز قرار می‌گیرد. هر چقدر اِعمال سلیقه در این خصوص کاهش یابد، عدالت در بُعد ترفیعات، افزایش می‌یابد.

۷. ماده ۱۳ اعلامیه در ادامه بیان داشته: «و در عین حال، موظف است که در کار خود اخلاص و درستکاری داشته باشد»

خلوص نیت و رفتار و درستکاری از اوصاف انسان‌های پرهیزکار و متقی است. «تنظیم برنامه اقتصادی کشور به‌صورتی‌که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد» یکی از ضوابطی است که وفق بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او»، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر آن باید استوار شود.

۸. ادامه ماده ۱۳ اشعار نموده: «و اگر کارگران با کارفرمایان اختلاف پیدا کردند، دولت موظف است برای حل این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پایبندی به عدل، بدون اینکه به نفع طرفی عدول کند، دخالت نماید.»

براساس ماده ۴۰ قانون کار ایران: «هیئت حل اختلاف مرکب است از ۳ نفر نمایندگان دولت (فرماندار رئیس دادگستری محل و رئیس اداره کار یا نمایندگان آنان) ۳ نفر نماینده از طرف کارگران و ۳ نفر نماینده از طرف کارفرمایان. هریک از دسته‌های سه‌گانه مذکور یک رأی داشته و رأی اکثریت مناط اعتبار است. ریاست هیئت حل اختلاف با فرماندار و در غیاب او با رئیس اداره کار می‌باشد.» لازم است این ماده، به نفع «طرف ضعیف قرارداد» (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: کاظم‌پور، ۱۳۹۲) یعنی کارگران ضمن کاهش سطح مداخله دولت در امور کارگر و کارفرما، اصلاح شود.

حق کسب مشروع و منع مصادره

ماده چهاردهم

ماده ۲۳ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» به حق کار و در ماده ۱۷ به حق مالکیت شخصی و حق مالکیت اشاره دارد، اما به جنبه‌های اخلاقی مانند ممنوعیت را نمی‌پردازد. ماده ۱۷ «میثاق

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» نیز حق مالکیت و ممنوعیت سلب مالکیت را مورد شناسایی قرار داده است. اعلامیه حقوق بشر اسلامی ضمن پذیرش حق کسب مشروع، با جلوگیری از ربا، به حفظ عدالت اقتصادی و جلوگیری از استثمار اقتصادی تأکید می‌کند که برتری اخلاقی و فقهی محسوب می‌شود. با تأکید بر ربا، اعلامیه حقوق بشر اسلامی، سعی در حفظ ارزش‌های اخلاقی و جلوگیری از استثمار مالی دارد که این توجه به ریشه‌های مشکلات اقتصادی نشانه برتری اخلاقی آن است.

ماده ۱۴ اشعار نموده: «انسان حق دارد، کسب مشروع بکند، بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران، و ربا شدیداً ممنوع می‌باشد.» در اینجا، چند نکته وجود دارد:

۱. حق کسب مشروع (در معنای قانونی و منطبق با شرع) یکی از حقوق شناسایی‌شده بشر (در اینجا، از منظر اعلامیه حقوق بشر اسلامی) است و هرکس مالک کار، اندیشه و توانایی خود است. اصل ۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز هر کس را مالک حاصل کسب‌وکار مشروع خویش اعلام نموده و بیان داشته که البته «هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب‌وکار خود، امکان کسب‌وکار را از دیگری سلب کند.» گرایش به این موضوع، در فطرت و سرشت انسان است همچنان که برخی نیز اشعار نموده‌اند: «متفکران، مالکیت خصوصی را از لوازم استقلال فرد و رشد شخصیت او و جزء حقوق فطری و طبیعی انسان تلقی کرده‌اند و آن را عامل ابتکار و تحرک فرد و برای سلامت جامعه ضروری می‌شمرند، اسلام نیز مالکیت را جزء فطرت و غریزه انسان می‌داند.» (وکیل، ۱۳۸۸)

۲. براساس ماده ۶۰ (اصلاحی ۱۳۹۰/۰۴/۰۸) قانون نظام صنفی کشور: «احتکار: عبارت است از نگهداری کالا به‌صورت عمده با تشخیص مراجع ذی‌صلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت یا سایر مراجع قانونی ذی‌ربط.» وفق اصل ۴۹ قانون اساسی: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ... موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او، به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به‌وسیله دولت اجرا شود.»

۳. ربا در لغت به معنای زیادی و در شرع عبارت است از زیادی یکی از دو کالای همجنس که هر دو پیمانه‌ای یا وزنی‌اند بر دیگری در معامله، یا قرض دادن مالی به شرط زیادی. (جامع‌المقاصد، بی‌تا: ۲۶۵) برخی، ربا را این‌گونه تعریف کرده‌اند: بیع یا معاوضه

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

یکی از دو عوض همجنس پیمانه‌ای یا وزنی در برابر دیگری با زیادی یکی از آن دو، یا قرض دادن به شرط زیادی. (شهید ثانی، بی‌تا: ۳۱۶؛ الفاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۸۶-۸۵) با توجه به تعریف یاد شده، ربا در شرع مقدس دو مصداق دارد: یکی معامله دو کالای همجنس با زیادی در یک طرف و دیگری قرض دادن به شرط زیادی. از اولی به ربای معاملی و از دومی به ربای قرضی تعبیر می‌کنند و از آن در باب تجارت سخن گفته‌اند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵: ۴۹-۴۸) بند ۱ ماده ۱ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳/۰۵/۱۷، «ربا» را بر دو نوع ذیل دانسته است:

- «ربای قرضی» و آن بهره‌ای است که طبق شرط یا بنا و روال مقرض از مقترض دریافت نماید.

- «ربای معاملی» و آن زیاده‌ای است که یکی از طرفین معامله زائد بر عوض یا معوض از طرف دیگر دریافت کند به شرطی که عوضین مکیل یا موزون و عرفاً یا شرعاً از جنس واحد باشند.

۴. «فریب» در علم اخلاق، رفتاری نکوهیده و مذموم است. در حقوق ایران نیز مصادیقی وجود دارد که بسته به مورد، ممکن است دارای ضمانت اجرای حقوقی (تدلیس) یا کیفری (فریب در ازدواج: ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵) یا انتظامی (تخلف «توسل وکیل به وسایل خدعه‌آمیز برای رد قاضی، حکم و یا وکیل طرف مقابل و یا به منظور اطاله رسیدگی» موضوع ماده ۱۳۱ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰/۰۴/۰۲) باشد.

۵. وفق اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هیچ‌کس نمی‌تواند اِعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» بخش از ماده ۱۴ اعلامیه حقوق بشر اسلامی، پا را از این فراتر گذاشته و اِعمال زیان علیه خود را نیز منع نموده است.

حق بر مالکیت و منع مصادره غیرشرعی

ماده پانزدهم

این ماده بر حق مالکیت با شرایط شرعی تأکید می‌کند. ماده ۱۷ اعلامیه جهانی به حق مالکیت پرداخته اما اشاره‌ای به محدودیت‌های شرعی ندارد. محدودیت‌های شرعی در اعلامیه حقوق بشر اسلامی با هدف حفظ منافع عمومی و جلوگیری از تضییع حقوق

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

دیگران، تأمین عدالت و برتری اخلاقی و حقوقی دارد. «اعلامیه جهانی حقوق بشر» (ماده ۱۷) و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (ماده ۱۷)، به‌طورکلی به حق مالکیت اشاره دارند اما شروط کمتری ذکر کرده‌اند.

الف) بند (الف) که اشعار نموده: «هر انسانی حق مالک شدن از راه‌های شرعی را دارد و می‌تواند از حقوق مالکیت، به گونه‌ای که به خود و یا دیگران و یا جامعه ضرر نرساند، برخوردار باشد و نمی‌توان مالکیت را از کسی سلب کرد مگر بنابر ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه.» با اصول ۲۰ و ۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط است.

ب) بند (ب) مصادره اموال و ضبط آنها را مگر بر طبق شرع، ممنوع اعلام نموده است. این موضوع، در اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ذکر شده است. اصل ۴۹ اشعار نموده: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به‌وسیله دولت اجرا شود.»

حق بر مالکیت معنوی و فکری

ماده شانزدهم

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (ماده ۱۵)، حق بهره‌برداری از مالکیت فکری، علمی و فرهنگی را بدون شرط خاصی براساس شریعت مورد تصریح قرار داده‌اند. این ماده به حقوق مالکیت فکری اشاره دارد و شرط مغایرت نداشتن با شریعت را اضافه می‌کند. ماده ۲۷ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» نیز به حقوق مالکیت فکری اشاره دارد، اما محدودیت شریعت را ندارد. این محدودیت در اعلامیه حقوق بشر اسلامی، تضمینی برای حفظ اخلاق و رعایت موازین دینی و جلوگیری از آثار مضر اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود.

ماده ۱۶، اعلام نموده: «هر انسانی حق دارد از ثمره دستاوردهای علمی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژیکی خود سود ببرد و حق دارد از منافع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت نماید، مشروط بر اینکه آن دستاورد (اثر) مغایر با احکام شریعت نباشد.»

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

«حقوق مالکیت فکری (حقوق معنوی)، اصطلاحی حقوقی به معنای حقوق شناخته شده برای پدیدآورنده هرگونه اثر فکری و غیر مادی اعم از اثر علمی، فرهنگی و صنعتی. در منابع حقوقی بر پایه دیدگاه‌های مختلفی که درباره ماهیت این نوع حق وجود دارد، تعابیر گوناگونی به ازای این مفهوم به‌کار رفته است، مانند امتیاز فکری یا امتیاز دولتی، امتیاز انحصاری بر اطلاعات، حقوق معنوی یا حقوق مالکیت معنوی، حق ابتکار و حقوق آفرینش‌های فکری» (بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، بی‌تا: ۶۳۵۶) «اصطلاح مالکیت فکری معادل Intellectual property می‌باشد از آنجا که واژه Intellectual هم به معنای فکری، ذهنی و عقلانی و هم به معنای معنوی و نامحسوس و غیر مادی و واژه property، هم به معنای حق مالکیت و هم به معنای مال و شیء مورد معامله ترجمه می‌شود، لذا این عبارت به اموال غیر مادی، مالکیت غیر مادی، مالکیت معنوی، مالکیت ذهنی و مالکیت فکری ترجمه شده است.» (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۹) فقیهان اسلامی در دنیای امروزی، عدم پذیرش حق بر مالکیت فکری را از موجبات هرج و مرج و بر هم خوردن نظم اقتصادی و علمی جامعه اسلامی و عقب ماندن می‌دانند. از این جهت، عموماً آن حق را در بخش مسائل مستحدثه (نوظهور) مورد شناسایی شرعی قرار داده‌اند؛ زیرا، اهمیت این قسم از حقوق، به تعبیر آنها کمتر از حقوق عینی و دینی نیست.

حق بر محیط پاک و اخلاقی

ماده هفدهم

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به‌صورت مستقیم به محیط پاک اشاره ندارند. این ماده به حقوق بهداشتی، تأمین اجتماعی و زندگی شرافتمندانه اشاره دارد. ماده ۲۵ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» نیز به این موارد اشاره می‌کند، اما تفاوت اعلامیه حقوق بشر اسلامی در تأکید بر پاکی محیط اخلاقی و تضمین توسط دولت و جامعه است، که ابعاد عمیق‌تری از مسئولیت اجتماعی و اخلاقی را می‌پوشاند. «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» بیشتر به حق تأمین نیازهای اساسی اشاره دارد که از لوازم زندگی شرافتمندانه است.

الف) براساس بند (الف) ماده ۱۷: «هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفاسد و بیماری‌های اخلاقی به‌گونه‌ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد،

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

زندگی کند. جامعه و دولت موظفند این حق را برای او فراهم کنند.» بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم است که همه امکانات خود را برای آن باید به کار ببرد.

ب) بند (ب) ماده ۱۷ اعلام نموده: «دولت و جامعه موظفند که برای هر انسانی، تأمین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز، برحسب امکانات موجود، فراهم نمایند.»

بند ۱۲ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم است که همه امکانات خود را برای آن باید به کار ببرد. اصل ۲۹ نیز «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره» را حقی همگانی دانسته و در ادامه اشعار نموده: «دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.»

ج) بند (ج) بیان داشته: «دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه‌ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده‌اش را برآورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی می‌شود، تضمین نماید.»

بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی به منظور «تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را براساس ضوابطی ازجمله «تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» استوار می‌داند. این موضوعات، مربوط به عزت و کرامت انسانی بشر است. انسان به خاطر شأن و منزلت والایش، نباید برای حداقل نیازهای اساسی، کرامتش مخدوش گردد و دغدغه آن مسائل را داشته باشد.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

حق بر آسودگی و امنیت

ماده هجدهم

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» (ماده ۱۲) و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (ماده ۱۷) هر دو بر حریم خصوصی تأکید دارند. ماده ۱۸ به حقوق امنیت شخصی، خانوادگی و حریم خصوصی تأکید دارد. مواد ۱۲ و ۱۷ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» به حریم خصوصی اشاره دارند اما شمولیت ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر اسلامی که حفاظت در برابر مداخله زورگویانه و حفظ حرمت مسکن را نیز شامل می‌شود، برتری در حفظ حریم خانوادگی و شخصی را نشان می‌دهد.

الف) «حق بر آرامش و امنیت جانی، دینی، خانوادگی و حقوقی» یکی از حقوق انسان‌هاست که در بند (الف) ماده ۱۸ پیش‌بینی شده است. بر مبنای بند مزبور: «هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند.»

ب) وفق بند (ب): «هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال، ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او، با مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود.» بند ۱۲ اصل ۳ قانون اساسی بر «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه مسکن» تأکید نموده است. همچنین اصل ۲۲ قانون اخیر، مسکن را مگر در مواردی که قانون تجویز کند، مصون از تعرض دانسته است.

ج) بند (ج) اشعار نموده: «مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود.» حرمت مسکن، به دلیل حرمت خود انسان است. سوره حجرات نیز در این رابطه، احکام خاص قابل توجهی دارد. انسان نباید آواره باشد چون از آوارگی، بلاها خیزد.

حقوق قضایی و شرعی

ماده نوزدهم

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» (ماده ۷) و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (ماده ۲۶) به‌صورت عمومی مساوات در برابر قانون را بیان کرده‌اند. ماده ۱۹ بر مساوات در برابر شریعت و تضمین عدالت به ویژه حقوق متهم تأکید دارد. مواد ۷ و ۱۰ «اعلامیه جهانی

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

حقوق بشر» و ماده ۱۴ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» نیز به برابری در مقابل قانون پرداخته‌اند. تفاوت در تأکید اعلامیه حقوق بشر اسلامی بر تطابق با شریعت و مسئولیت شخصی بودن جرم و تضمین عدالت در محاکمه است که برتری دقت حقوقی و رعایت عدالت در نظام قضایی اسلامی را نمایش می‌دهد.

الف) بند (الف) اشعار نموده: «مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر حاکم و محکوم نیز با هم برابرند.» بخش پایانی اصل ۱۰۷ قانون اساسی، صراحتاً رهبر را در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی و هم‌شأن اعلام نموده است.

ب) در بند (ب) مراجعه و پناه بردن به دادگاه حقی دانسته شده است که برای همه تضمین شده است. اصل ۳۴ دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته که بر مبنای آن اصل، هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

ج) بند (ج) بیان داشته: «مسئولیت در اصل، شخصی است.» البته این، یک اصل است و مواردی مانند مسئولیت کارفرما و مدیر مسئول و همچنین تحمیل پرداخت دیه به عاقله، استثنایی بر اصل اخیر است.

د) وفق بند (د): «هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت.» اصل ۳۶ قانون اساسی در این خصوص بیان داشته: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

ه) بند (ه) انعکاسی از اصل برائت است که در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بیان شده است. بند مزبور اشعار نموده: «متهم، بیگناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد، ثابت گردد.» از مهمترین موضوعاتی که دادرسی منصفانه را تضمین می‌کند، استقلال وکلا و کانون‌های وکلاست که در کنار استقلال قوه قضاییه و قضات دادگستری، این مهم را می‌تواند تأمین کند.

منع دستگیری، محدودیت برای آزادی و تبعید

ماده بیستم

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» (ماده ۵) و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (ماده ۷) هر دو بر ممنوعیت شکنجه تأکید دارند. ماده ۲۰ ممنوعیت شکنجه و حبس غیر قانونی را بیان می‌کند. ماده ۵ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و ماده ۷ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

سیاسی» شکنجه را ممنوع کرده‌اند. تفاوت در تأکید اعلامیه حقوق بشر اسلامی بر عدم تصویب قوانین استثنایی برای اعطای این اختیارات به قوه اجرائیه است که نظارت دقیق‌تر بر عملکرد دولتی را تضمین می‌کند.

ماده ۲۰ اشعار نموده: «دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید، یا مجازات هر انسانی جایز نیست، مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او به گونه‌ای حقارت‌آمیز، یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، رفتار کرد. همچنین اجبار هر فردی برای آزمایش‌های پزشکی یا علمی جایز نیست، مگر با رضایت وی و مشروط بر اینکه سلامتی و زندگی او به مخاطره نیفتد. همچنین، تدوین قوانین استثنایی که به قوه اجرائیه چنین اجازه‌ای را بدهد، نیز جایز نمی‌باشد.»

درخصوص این ماده، چند موضوع عمیق حقوقی وجود دارد که به‌طور خلاصه در ذیل بررسی می‌شود:

۱. منع دستگیری خودسرانه: بند ۱ ماده ۹ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، دستگیری و بازداشت خودسرانه را منع کرده و اشعار نموده هیچ‌کس را نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات قانونی و براساس آیین دادرسی مندرج در قانون. اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اشعار نموده: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.» منع دستگیری تنها کافی نیست؛ زیرا، این ممنوعیت، قواعد گسترده‌ای از جمله ضرورت اطلاع دادن به خانواده دستگیرشدگان، منع ایذاء و استخفاف افراد و غیره نیز بر آن ناظر است.

۲. منع محدودیت برای آزادی تن: محدودیت برای آزادی تن، شامل بازداشت و حبس می‌شود. حقوقدانان در مقام بیان تعریف «بازداشت» بیان نموده‌اند: « بازداشت از اصطلاحات حقوق کیفری به معنای حبس متهم در جریان تحقیقات مقدماتی که گاهی تا پایان رسیدگی ماهوی و صدور حکم و شروع به اجرای آن، ادامه می‌یابد. این اصطلاح دربارهٔ اموالی نیز که در اجرای مفاد احکام دادگاه‌ها یا تعهدات مندرج در سند رسمی، توقیف می‌شوند و همچنین در وثیقه‌ای که دادسرا به‌عنوان تأمین از متهم اخذ می‌کند، به‌کار می‌رود. دراین صورت، بازداشت وصفی است که مرجع ذی‌صلاح به مال معین

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

می‌دهد و آثاری مانند عدم امکان نقل و انتقال، و ضبط وثیقه در صورت عدم حضور متهم، بر آن مترتب می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۱: ۵؛ بی‌تا: ۱۹۲) برخی معتقدند: «وجه تمایز بازداشت در مفهوم جزایی آن، از سایر مواردی که به حبس متهم می‌انجامد، این است که عنوان مجازات بر آن صادق نیست و با صدور حکم برائت متهم منافات ندارد. درواقع، بازداشت یکی از اقسام قرارهای تأمین است که قاضی به‌منظور امکان دسترسی به متهم، جلوگیری از فرار، اختفا و تبانی او و دیگر مصالح، قاضی در شرایط خاصی، صادر می‌کند.» (منبع پیشین) به نظر می‌رسد این سخن، حتماً دارای ایراد است؛ زیرا، ماهیت حقوقی بازداشت، به دلیل محروم نمودن انسان‌ها از آزادی تن، به «مجازات» نزدیک است. علاوه بر مواد ۲۵۸-۲۵۷ و ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری، آیین‌نامه شیوه رسیدگی و اجرای آراء کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت» نیز این دیدگاه را تقویت می‌کند. مرجع قضایی موظف است بدون ادله، کسی را بازداشت نکند.

۳. منع تبعید: تبعید به‌عنوان یکی از واکنش‌های علیه جرم دارای معانی مختلف لغوی و اصطلاحی است که بعضی از آن‌ها کاملاً متفاوت می‌باشند و حقوقدانان را دچار سردرگمی می‌کنند. در اصطلاح فقها نیز تبعید با توجه به جرایم مختلفی که به‌عنوان کیفر برای آن‌ها اعمال می‌شود، دارای تعاریف گوناگونی است. این اختلاف‌نظرها در اصطلاح حقوقدانان نیز مشهود است. علاوه بر این اختلاف تعاریف، واژگان اقامت اجباری و ممنوعیت از اقامت نیز در ارتباط با تبعید مورد استفاده قرار می‌گیرند که بیش از پیش بر ابهام این کیفر افزوده‌اند.» (شمس ناتری، ۱۳۹۰)

به طور خلاصه، «تبعید، بیرون راندن مُجرم از محل ارتکاب بزه یا از اقامتگاه وی (که غالباً در قدیم یکی بوده) است.» (هاشمی بهرمانی، ۳۲۹. جعفری لنگرودی، ۱۱۳۸)

اصل ۳۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اشعار نموده: «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.»

۴. منع مجازات خودسرانه: اصل ۳۶ قانون اساسی در این خصوص بیان داشته: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

۵. منع شکنجه، رفتار حقارت‌آمیز و سخت و خشن: براساس اصل ۳۸ قانون اساسی: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.» احکام حقوقی و اخلاقی گسترده‌ای از این اصل، قابل استخراج است. ازجمله اینکه کسب دلیل باید در چهارچوب قانون و اخلاق باشد. هیچ‌کس حق ندارد رفتارش با دیگران، سخت و خشن باشد یا دیگران را تحقیر کند. سرزنش نیز چنین حکمی دارد؛ زیرا افراط در نکوهش و سرزنش از نظر علم روان‌شناسی، انعکاس بسیار منفی دارد.

۶. منع رفتار مغایر با حیثیت انسانی: انسان، دارای حیثیت است و نباید حیثیتش مخدوش شود. نقل است حضرت محمد (ص) افراد را برای پاسداشت، با کنیه آنها مورد خطاب قرار می‌داد. دعوت به این رویکرد، مبتنی بر اخلاق نبوی است. (شافعی حلبی، ۱۴۲۷: ۴۷۹)

۷. عدم جواز اجبار افراد به تحمل آزمایش‌های پزشکی یا علمی ولو با تجویز قانونگذار: «اعتبار و حجیت آزمایش‌های تخمینی قابل اثبات نیست و فقدان دلیل بر حجیت را می‌توان دلیل بر فقدان حجیت دانست. اعتبار آزمایش‌های حسی درصورتی‌که مسیله از مصادیق قضیه بینه و شهادت باشد، به‌واسطه ادله حجیت آن بحث قابل دفاع است و دلیلی بر شروط ذکرشده در آن ابواب، مثل تعدد آزمایش‌کننده نیست. اعتبار آزمایش‌های حدسی درصورتی‌که مسیله بر قضیه قول اهل خبره و کارشناس تطبیق‌پذیر باشد، به واسطه ادله حجیت آن بحث قابل دفاع است. درنتیجه نظر آزمایش‌کننده واحد در موضوعات احکام کافی است و نیاز به تعدد نظر آزمایش‌کننده در آزمایش‌های حسی و حدسی نیست.» (سلیمانی، ۱۴۰۱: ۱۷۱) هیچ‌کس را نباید و نمی‌توان حتی با توسل به قانون به اموری مانند آزمایش‌های پزشکی و علمی مجبور کرد؛ زیرا این امور، مربوط به شخصیت انسان است.

منع گروگان‌گیری در همه اشکال

ماده بیست و یکم

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به‌صورت خاص به گروگان‌گیری اشاره ندارند. ماده ۲۱، ممنوعیت گروگان‌گیری را تصریح می‌کند که مشابه آن در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به صورت مستقیم وجود ندارد. این تأکید، نشان از برتری اخلاقی اعلامیه حقوق بشر اسلامی در حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از بهره‌برداری‌های خشونت‌آمیز دارد.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

ماده ۲۱ گروگان‌گیری را به هر شکلی و به خاطر هر هدفی، ممنوع اعلام نموده است؛ زیرا هدف ـ هرچه باشد ـ وسیله را توجیه نمی‌کند. (منع تحقق هدف، به هر وسیله‌ای) ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ نیز اشعار نموده: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند، درصورتی‌که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه ۴ و در غیر این صورت به حبس درجه ۵ محکوم خواهد شد درصورتی‌که سن مجنی‌علیه کمتر از ۱۵ سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنیٌ‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.» در حقوق جزای بین‌الملل نیز گروگان‌گیری از مسائل مهم حقوقی تلقی می‌شود. از نظر اهمیت، برخی از حقوقدانان اشعار نموده‌اند: «گروگان‌گیری جرمی است که با هدف واداشتن شخص ثالث به ارتکاب یا عدم ارتکاب رفتاری، از دیرباز مورد توجه مجرمان بوده است. ضرورت مقابله با این جرم به دلیل آثار و تبعات داخلی و بین‌المللی آن، باعث توجه بیش از پیش نظام‌های حقوق کیفری به مقابله با آن در سطح ملی و بین‌المللی شده است. جرم‌انگاری این موضوع در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸)، به‌عنوان یکی از مصادیق جنایات جنگی نشانگر عمق نگرانی جامعه بین‌الملل نسبت به این جرم است. کنوانسیون مقابله با گروگان‌گیری (۱۹۷۹)، به‌عنوان مهم‌ترین سند اختصاصی تدوین‌شده درخصوص این جرم، کشورهای عضو را موظف به وضع ضمانت اجرای کیفری برای مرتکبین این جرم نموده است. در حقوق ایران، به رغم تصویب این کنوانسیون در مجلس شورای اسلامی، هنوز ضمانت اجرای کیفری خاصی برای مرتکبان این جرم پیش‌بینی نشده است. ازاین‌رو، در موارد ارتکاب این جرم، رویه یکسانی در جهت تعیین مجازات برای متهمان به ارتکاب جرم مذکور وجود ندارد.» (غلامی، ۱۳۹۶: ۴۱)

حق آزادی بیان

ماده بیست و دوم

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» (ماده ۱۹) و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (ماده ۱۹) آزادی بیان بدون شرط شریعت را شناسایی نموده‌اند. ماده ۲۲ به حق آزادی بیان با

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

محدودیت‌های شرعی پرداخته است. به بیان دیگر، ماده ۱۹ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و ماده ۱۹ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به آزادی بیان اشاره کرده‌اند اما محدودیت‌های اخلاقی و دینی ندارند. محدودیت‌های شرعی اعلامیه حقوق بشر اسلامی به حفظ احترام و نظم اجتماعی کمک می‌کند و برتری در توازن میان آزادی و اخلاق را نشان می‌دهد. محدودیت‌های اسلامی در راستای جلوگیری از بی‌احترامی به مقدسات و حفظ انسجام اجتماعی است.

الف) براساس بند (الف) ماده ۲۲: «هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی، که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد.» ماده ۱۸ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» نیز اشعار نموده: «هرکس دارای حق آزادی فکر و ضمیر و دین است. لازمه این حق آن است که هرکس خواه به تنهایی یا با دیگران علنی یا خصوصی از راه تعلیم و پیگیری و ممارست، یا از طریق شعائر و انجام مراسم دینی، بتواند آزادانه، دین و یقینیات خود را ابراز کند.» همچنین ماده ۱۹ بیان نموده: «هرکس آزاد است هر عقیده‌ای را بپذیرد و آن را به زبان بیاورد و این حق شامل پذیرفتن هرگونه رأی بدون مداخله اشخاص می‌باشد و می‌تواند به هر وسیله که بخواهد، بدون هیچ قید و محدودیت به حدود جغرافیایی، اخبار و افکار را تحقیق نماید و دریافت کند و انتشار دهد.»

درخصوص بند (الف) ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی که با آیه ۱۲۵ سوره نحل، آیات ۱۸-۱۷ سوره زمر و آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، نیز در ارتباط است، نکات ذیل قابل توجه به نظر می‌رسد:

۱. آزادی در نحوه اجرای آزادی بیان: براساس این بخش از بند (الف)، انسان در انتخاب شیوه و نحوه استفاده از حق آزادی بیان خود، آزاد بوده و محدودیتی ندارد و به اصطلاح، محصور در یک یا چند روش معین و محدود نیست. نحوه اجرای آزادی بیان می‌تواند از طریق کتاب، مقاله، فیلم، صوت، نامه، بیانیه شخصی، اپلیکیشن، نرم‌افزار، وسایل الکترونیکی، مطلب مطبوعاتی و غیره انجام شود.

۲. معنای اصول شرعی: در اینجا، معنای «اصول شرعی» معلوم نیست. «هر حکم ظاهری که از ناحیه شارع جعل شده باشد، اصل شرعی نامیده می‌شود اعم از اصولی که در شبهه حکمی و شبهه موضوعی جاری می‌شوند مانند برائت شرعی، احتیاط شرعی و استصحاب، و نیز اصولی که تنها در شبهه موضوعی جاری می‌شوند مانند اصل (قاعده) صحت.»

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

(اصطلاحات الاصول، بی‌تا: ۵۹. به نقل از: فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام، بی‌تا: ۵۱۷) شاید هم منظور آنان از «اصول شرعی» درواقع همان «اصول دین» (توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد) باشد.

«در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مفاهیمی مانند اخلاق حسنه، نظم عمومی، بهداشت عمومی، منافع عمومی، حقوق و حیثیت دیگران، به‌عنوان محدودیت‌های آزادی بیان مقرر شده‌اند. به بیان دیگر به سبب آن اسناد، هیچ فردی مجاز نیست به استناد برخورداری از حق آزادی بیان، محدودیت‌های مذکور را نادیده بگیرد. در این میان، اعلامیه حقوق بشر اسلامی حقوق بشر با رویکردی متفاوت از دیگر اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر، به محدودیت‌های آزادی بیان پرداخته‌اند و موارد دیگری مانند ضوابط اسلام، حرمت انبیا، مقدسات و هر آنچه را سبب نابودی یا سستی اعتقادات شود، به محدودیت‌های آزادی بیان افزوده و قلمرو آنها را گسترش داده است. توسیع قلمرو محدودیت‌های حق آزادی بیان در اعلامیه حقوق بشر اسلامی حقوق بشر، آن را در جایگاهی متفاوت از دیگر اسناد بین‌المللی قرار داده است و ضرورت تبیین گستره محدودیت‌های مقرر در اعلامیه و چرایی آن را از دیدگاه منطق حقوق بشر ایجاب می‌کند.» (ملکوتی، ۱۳۹۵: ۱۵۷) بنابراین به‌طورکلی، هیچ‌کس حق ندارد از حق آزادی بیان خود، مغایر با اصول و موازین شرعی سوء استفاده کند (ر.ک به: اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) مثلاً به «مقدسات اسلامی» (سوره انعام، آیه ۱۰۸) توهین کند یا با توهین و بی‌احترامی به مقدسات دیگر ادیان، زمینه توهین آنان به مقدسات اسلامی و عناد (دشمنی) را فراهم نماید. همچنین شایعه‌افکنی (سوره احزاب، آیه ۶۰)، هتک حرمت افراد، ایراد تهمت (سوره نساء، آیات ۹۴ و ۱۵۶)، سخنان ناعادلانه نسبت به دیگران (سوره انعام، آیه ۱۵۲)، تحریف حقایق دینی (سوره بقره، آیات ۴۲-۴۱)، نسبت دادن القاب ناپسند و زشت به دیگران (سوره حجرات، آیه ۱۱)، ریختن آبروی افراد (سوره نور، آیات ۱۳-۱۱، ۱۷-۱۵ و ۱۹ و سوره حجرات، آیات ۱۱-۱۲)، عیب‌جویی از دیگران (سوره همزه، آیه ۱ و سوره حجرات، آیه ۱۱)، بددهانی (سوره نساء، آیه ۱۴۸)، تمسخر، اشاعه دروغ (سوره حج، آیه ۲۰) و افشای اسرار امنیتی کشور (سوره نساء، آیه ۸۳) نیز ازجمله موارد سوء استفاده از آزادی بیان است.

ب) براساس بند (ب) ماده ۲۲: «هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی، دعوت کند.»

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

براساس ماده ۱ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۰۱/۲۳: «معروف و منکر عبارتند از هرگونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به‌عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد.»

برخی اشعار نموده‌اند: «با اینکه امروزه کمتر کسی است که ضرورت به کار گرفتن اصل «آزادی بیان» را جهت حفظ سلامت نظام سیاسی انکار کند، اما در عمل، هنوز در جمهوری اسلامی، اجماع فراگیری نسبت به لزوم صیانت از آزادی بیان شکل نگرفته است. شاید مهم‌ترین علت این کاستی، این باشد که در تاریخ معاصر ایران، اندیشمندانی که ترویج‌کنندهٔ آزادی بیان بوده‌اند از استدلالات وارداتی استفاده کرده‌اند. حال آنکه می‌توان آزادی بیان را در پارادایم جامعه اسلامی براساس تأکید قرآن کریم و احادیث اهل بیت بر فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر بنا نهاد. این فریضه که در قانون اساسی وظیفهٔ همگانی دانسته شده، یک جنبهٔ مهم سیاسی دارد که مستلزم تضمین آزادی بیان برای شهروندان است. پایه‌گذاری آزادی بیان بر این فریضه، گسترش آزادی بیان و کاهش محدودیت‌های آن را به دنبال خواهد داشت و باعث می‌شود که موانع موجود در برابر انتقادات سیاسی برطرف و صدای نخبگان خارج از حکومت شنیده و از اندیشه‌ها و نظرات آنان بهره‌برداری شود. در برابر آن، دفاع از آزادی بیان با استفاده از استدلالات وارداتی که در تمدن غرب شکل گرفته، ازجمله فردگرایی و نسبی‌گرایی لیبرال، در عمل کارایی نداشته و مرزهای آزادی بیان را به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی عقب رانده است.» (سمیعی، ۱۴۰۱: ۲۲۹)

اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی بر مبنای آیه ۷۱ سوره توبه (وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ يأمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) در این رابطه اشعار نموده: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.» بنابراین از تبادر (خطور معنایی از لفظ به ذهن هنگام استعمال یا شنیدن آن ر.ک به: مؤسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، فرهنگ فقه فارسی، جلد ۲، صفحه ۳۲۵) باید دست شست و می‌بایستی دانست «امر به معروف و نهی از منکر» محدود به مردم نسبت به مردم» و «دولت نسبت به مردم» نیست بلکه «مردم نسبت به دولت در معنای عام کلمه» را نیز شامل می‌شود. همچنان که ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۰۱/۲۳ بیان داشته: «مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

چارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند.»

ج) بند (ج) ماده ۲۲ اشعار نموده: «تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا به‌کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها، یا متشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.» در این رابطه، باید دانست که تبلیغات، برای جوامع بشری به ویژه اسلامی، امری اجتناب‌ناپذیر است. (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۱۳۱-۱۱۵) اصول ۲۴ و ۱۷۵ قانون اساسی در مقام بیان موضوع تبلیغات و رسانه است. علاوه بر این، در حقوق ایران، قوانین و مقرراتی مانند ماده ۱۹ قانون مطبوعات، موادی از قانون تجارت الکترونیکی، قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی، تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دایر شده‌اند، قانون ضرورت اخذ مجوز برای ساخت، خرید و فروش، نگهداری، تبلیغ و استفاده از دستگاه فلزیاب، قانون ممنوعیت تبلیغات و معرفی محصولات و خدمات غیرمجاز و آسیب‌رسان به سلامت در رسانه‌های ارتباطِ جمعی داخلی و بین‌المللی و فضاهای مجازی، ماده واحده ممنوعیت تبلیغ سفرهای خارجی مصوب جلسه ۵۷۵ شورای فرهنگ عمومی، دستورالعمل‌های مصوب کمیته مرکزی سازمان‌های تبلیغاتی کشور، دستورالعمل نحوه استفاده از تصویر هنرمندان و ورزشکاران در تبلیغات، دستورالعمل اجرایی تبلیغات محیطی مصوبه جلسه ۸۴ کمیته مرکزی سازمان‌های تبلیغاتی کشور، دستورالعمل نحوه فعالیت تبلیغاتی در شبکه‌ها و پیام‌رسان‌های اجتماعی، دستورالعمل تبلیغات محیطی کالا و خدمات مصوب جلسه ۵۷۱ شورای فرهنگ عمومی، دستورالعمل نحوه تبلیغ و آگهی‌های دارویی و مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی و امور پزشکی، دستورالعمل نحوه صدور گواهی فعالیت نمایندگان، توزیع‌کنندگان، دفاتر و شعب شرکت‌های خارجی عرضه‌کننده کالاهای سرمایه‌ای در ایران، آیین‌نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون‌های آگهی و تبلیغاتی، آیین‌نامه اجرایی تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی، تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دایر شده‌اند و آیین‌نامه اجرایی قانون ضرورت اخذ مجوز

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

برای ساخت، خرید و فروش، نگهداری، تبلیغ و استفاده از دستگاه فلزیاب ازجمله این موارد است.

به‌طورکلی باید قائل به این شد که تبلیغات نباید گمراه‌کننده، حاوی اطلاعات غلط (صالح‌احمدی، ۱۴۰۲؛ عادل، ۱۳۹۵: ۵۹۹-۵۶۹) مغایر با حقوق، سلامتی و حریم خصوصی دیگران و نافی قوانین موضوعه، اخلاق حسنه و نظم عمومی (ر.ک به: ماده ۹۷۵ قانون مدنی و ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی) باشد و در آن نباید آثاری از سوء استفاده از حق (ر.ک به: اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) مشاهده شود؛ زیرا ممکن است در مواردی، متضمن مسئولیت قانونی باشد. (خورسندیان، ۱۳۹۴: ۱۸۵-۱۶۵)

د) بند (د) ماده ۲۲ بیان داشته: «برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.» بند ۱ ماده ۱ قانون مربوط به قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۱۳۴۷/۰۴/۳۰ «تبعیض نژادی» را به «هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و یا رجحانی که براساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشأ ملّی و یا قومی مبتنی بوده و هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن شناسایی یا تمتع و یا استیفاء در شرایط متساوی، از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگر از حیات عمومی باشد.» اطلاق نموده است. «تحریک به تبعیض نژادی محل تلاقی آزادی بیان با اصل منع تبعیض است که هر دو از شأن و نقش برجسته‌ای در نظام بین‌المللی حقوق بشر برخوردارند. اصل منع تبعیض یکی از اصول مبنایی حقوق بشر است و هرگونه تبعیضی ازجمله تبعیض نژادی، همه حقوق افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و تجربیات تاریخی نظیر جنگ جهانی دوم، نشان می‌دهد که تحریک به تبعیض نژادی، فضای مستعد ارتکاب جرم علیه گروه‌ها را ایجاد می‌کند. آزادی بیان نیز نقش کلیدی در کشف و فهم حقایق، مشارکت عمومی و ارتقای تحمل مخالفان دارد به نحوی که از آن به‌عنوان سنگ ستون بسیاری از حقوق و آزادی‌های یاد می‌شود. با این حال این آزادی مطلق نیست و در شرایطی قابل تحدید است. یکی از حدود این آزادی، منع تحریک به تبعیض نژادی است که در کنوانسیون بین‌المللی منع تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵پیش‌بینی شده و از دولت‌ها خواسته شده تا چنین بیان‌هایی را در حقوق داخلی خود جرم‌انگاری کنند. پرسش اصلی این است که ممنوعیت تحریک به تبعیض نژادی، آزادی بیان را تا کجا و با چه ضوابطی محدود می‌کند. با توجه به اهمیت آزادی بیان و جلوگیری از تحدید نامتناسب آن، این

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

ضوابط می‌بایست دقیق و منجز باشد. با این حال بررسی رویه کمیته منع تبعیض نژادی نشان می‌دهد علی‌رغم تلاش این کمیته به ارائه معیارهایی برای تشخیص بیان‌های تحریک‌کننده، این معیارها کلی و فاقد ضابطه‌ای دقیق است. توسعه مفهوم نژاد نیز تشخیص این‌گونه بیان‌ها را دشوارتر می‌کند.» (انصاری، ۱۳۹۹: ۱۶۱) در حقوق ایران براساس ماده ۴۹۹ مکرر (الحاقی، ۱۳۹۹) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲: «هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد، به حبس و جزای نقدی درجه ۵ یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه ۶ یا یکی از آن دو محکوم می‌شود.»

منع استبداد و سوء استفاده از ولایت

ماده بیست و سوم

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، بر حق مشارکت عمومی تأکید دارند. ماده ۲۳ به حق مشارکت در حکومت و منع استبداد تأکید دارد. ماده ۲۱ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» نیز به حق مشارکت اشاره دارد. تفاوت در تأکید بر اصول شرعی در اعلامیه حقوق بشر اسلامی و جلوگیری از سوء استفاده و استبداد است که رویکرد حکمرانی عادلانه و مسئولیت‌پذیرتری را پیشنهاد می‌دهد. تعریف «ولایت» به‌عنوان امانت از سوی اعلامیه حقوق بشر اسلامی، مسئولیت‌پذیری بیشتری را بر حاکمان تحمیل می‌کند.

الف) بند (الف) ولایت را امانتی دانسته است که «استبداد یا سوء استفاده از آن شدیداً ممنوع می‌باشد، زیرا که حقوق اساسی از این راه تضمین می‌شود.» «ولایت» ـ به فتح و کسر واو ـ معانی متعددی دارد: دوستی، یاری، بر عهده گرفتن کاری و فرماندهی. قدر مشترک همه این معانی «سزاوارتر بودن به چیزی» است. در اصطلاح عام به معنای آن است که کسی از روی مهربانی به نیازمندانی که بدو وابسته‌اند، با گفتار یا کردار کمک کند و برای کمک کردن به آنان باید اختیار آنان را در دست گیرد و آنان سخن او را بی‌چون و چرا بپذیرند. ولایت بر سه‌گونه شخصی، جزئی و کلّی است. هریک از این سه‌گونه به ولایت تکوینی و تشریعی تقسیم می‌شوند. (فانی، بی‌تا: ۳۷۹) ولایت عبارت است از سرپرستی و سلطه و گاه به معنای دوستیِ آمیخته با سلطه نیز به کار می‌رود (همان) و اگر با قرینه امر و نهی همراه شود، به معنای سرپرستی خواهد بود. شخص «ولی» کسی است که امور را تدبیر

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

می‌کند، «ولیّ دم» آن است که قصاص را طلب می‌کند، «ولیّ امر رعیت» شخص سلطان است و جانشین شخص حاکم را «ولیّ عهد» گویند (حسینی دشتی، بی تا: ۲۳۳۴) اصطلاح ولایت در علم کلام بررسی می‌شود. (خطیبی کوشکک، ۱۳۸۶: ۴۶۰-۴۵۹؛ باقی نصرآبادی، ۱۳۸۷) استبداد از راه ولایت و یا سوء استفاده از آن، چه با وضع قانون و چه با اجرای ناعادلانه قوانین یا ارائه تفسیر ناعادلانه از آنها، موجب می‌شود که ولی جامعه در لباس رئیس حکومت یا رئیس دولت، به نقطه نیستی و سقوط از مقام انسانی حرکت کند. عدالت ولی به تقویت کارا بودن «نظریه هدایت جامعه» خواهد انجامید.

ب) «ادارهٔ مطلوب به‌عنوان یکی از شاخص‌های حاکمیت قانون در نهادهای اداری به دنبال حمایت از حقوق اشخاص در قبال دولت است. این حق در سطح بین‌المللی برای اولین‌بار در منشور حقوق بنیادین اتحادیهٔ اروپا تصریح و در رویهٔ قضایی دیوان دادگستری اتحادیهٔ اروپا تثبیت شده است. در نظام حقوقی ایران نیز اخیراً این حق در منشور حقوق شهروندی با عنوان ادارهٔ شایسته تصریح شده است. قطعاً استفاده از تجارب و پیشرفت‌های هنجار اتحادیهٔ اروپا می‌تواند در تبیین و تضمین هرچه بیشتر این حق در نهادهای اداری مؤثر باشد. ضمن درک اهمیت شناسایی اخیر این حق در منشور حقوق شهروندی، پرسش این است که تا چه میزان این حق و مؤلفه‌های آن با استانداردهای بین‌المللی مندرج در منشور حقوق بنیادین قرابت دارد و نکات قوت و ضعف این سند در چارچوب حق بر ادارهٔ مطلوب نسبت به منشور حقوق بنیادین چیست؟ بررسی نشان می‌دهد به‌طورکلی منشور حقوق شهروندی در معرفی مؤلفه‌های حق بر ادارهٔ مطلوب قرابت قابل توجهی با منشور حقوق بنیادین دارد، ولی در بیشتر موارد به لحاظ عینیّت و شفافیت مفاهیم و گسترهٔ حق مورد شناسایی از معیارهای مطرح‌شده در آن فاصله دارد و تنها درخصوص ارائهٔ روش‌های جبران خسارت، نسبت به منشور حقوق بنیادین از رویکرد بهتری برخوردار است.» (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۸: ۱۹۵) «براساس حق بر مدیریت مطلوب، شهروندان حق اِعمال کنترل بر قدرت و مدیریت دولت خواهند داشت.» (منبع پیشین، ۱۹۸) بند (ب) ماده ۲۳، حقّی را تحت عنوان «حق بر مشارکت انسان‌ها در اداره امور عمومی کشور خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم» به رسمیت شناخته است. همچنین بیان گردیده که انسان می‌تواند پست‌های عمومی را بر طبق احکام شریعت متصدی شود. این بند از این جهت از عبارت «طبق احکام شریعت» استفاده نموده تا بر مبنای آن، از جامعه، شریعت‌زدایی نشود؛ زیرا چنین رویکردی، جامعه را از حیث توجه به مبانی اسلامی، در بلندمدت، تهی از اخلاق و شریعت‌گرایی

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

می‌کند. البته این امر باید با در نظر داشتن نقش اراده و انتخاب بشر در انتخاب این روش اداره امور عمومی کشور باشد. ماده ۱۹ منشور حقوق شهروندی ایران نیز اشعار نموده: «شهروندان از حق اداره شایسته امور کشور بر پایه قانون‌مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف برخوردارند. رعایت این حق توسط همه مسئولین و کارکنان الزامی است.» بنابراین حق اداره شایسته امور کشور، باید بر پایه‌هایی استوار باشد تا بر مبنای آن بتوان سهمی در اداره امور کشور ایفاء نمود. این امر، مستلزم مشارکت نمودن شهروندان در فرآیند مربوطه و فراهم نمودن بستر و زمینه لازم برای آن جهت نیل به اهداف متعالی به‌ویژه با رفع انحصارهای سیاسی و باز کردن پنجره‌های سیاسی به روی نخبگان و شایستگان با ایجاد رقابت بین آنها از طریق نظام کارآمد حزبی بدون حذف رقبای سیاسی است.

شرط اعتبار حقوق و آزادی‌های ناشی از اعلامیه حقوق بشر اسلامی

ماده بیست و چهارم

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، شرط «تطابق با شریعت به‌عنوان شرط اساسی» را مطرح نمی‌کنند و حقوق و آزادی‌ها را به‌طورکلی و بدون محدودیت‌های دینی بیان می‌کنند. مادتین ۲۵-۲۴ بر شریعت اسلامی به‌عنوان مرجع تفسیر تأکید می‌کنند. این مشخصه، وجه افتراق اساسی با «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» است که براساس اصول حقوق بین‌الملل بنا شده‌اند. این تأکید بر شریعت، برتری اعلامیه حقوق بشر اسلامی در هماهنگی با ارزش‌های دینی و حفظ هویت فرهنگی و مذهبی را تقویت می‌کند. اعلامیه حقوق بشر اسلامی با شرط تطابق با شریعت، تلاش می‌کند حقوق و آزادی‌ها را در چارچوب نظام اخلاقی و دینی حفظ کند. این رویکرد، می‌تواند از سوء استفاده‌های احتمالی از آزادی پیشگیری کند.

ماده ۲۴ که اشعار نموده: «کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی می‌باشد.» از این جهت قابل درک و پذیرش است که اعلامیه حقوق بشر اسلامی، با اعلامیه‌های لاییک حقوق بشر، از حیث محتوا، کارکرد و هدف، متفاوت است. نویسندگان حقوق بشر اسلامی، نیک می‌دانستند که احکام شریعت اسلامی به‌ویژه موارد مسلّم آن، برای آسایش و خوشبختی مسلمانان وضع گردیده‌اند و طبیعتاً عنصر زمان و اقتضائات زمانی نیز در موارد لازم، احکام را روزآمد و بر مبنای به‌خصوص قواعد منطبق بر عقل، به پیش خواهد برد؛ زیرا، اسلام با ترقی و توسعه، منافاتی

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

ندارد. این بستر و زمینه همواره در دل شریعت اسلامی فراهم است تا بر مبنای آن، بشر به سمت خوشبختی و سعادت دنیوی و اخروی گام بردارد. مشابه این قاعده، صرفاً از جهت اهمیت شرع، با وجود برخی وجوه افتراق، در اصول ۴، ۷۲ و ۹۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است.

مرجع تفسیر و توضیح اعلامیه

ماده بیست و پنجم

ماده ۲۵ از این جهت شریعت اسلامی را تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه اعلام نموده که جهان‌بینی این اعلامیه، مبتنی بر شریعت اسلامی بوده است و از منظر این حوزه، به حقوق بشر نگریسته شده است. بنابراین چنین رویکردی، طبیعی است. مضافاً اینکه «ذیل» (مفاد متن حقوقی) باید از «مقدمه» آن تبعیّت کند.

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به‌طورکلی، بدون بیان قید خاص و ارجاع به اصول مذهبی، بر رعایت حقوق بشر تأکید نموده‌اند. تأکید بر شریعت در اجرای قوانین، اعلامیه حقوق بشر اسلامی را از سایر اسناد حقوق بشر متمایز می‌کند، زیرا این رویکرد، تأمین عدالت در چارچوب اصول دینی و اخلاقی را تضمین می‌کند و می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جوامع اسلامی و بشری باشد.

نتیجه

۱. اعلامیه حقوق بشر اسلامی، عموماً متضمن دو رویکرد (شناسایی صریح یا ضمنی برخی حقوق و نفی برخی امور و رفتارها) است تا براساس صریح آن، به حقوق بشر نگریسته شود و همه حقوق شناسایی‌شده نیز مطابق با شریعت اسلامی باشد. بسیاری از این رفتارها، در بسیاری از نقاط جهان، در اکثر زمان‌ها، دارای صبغه دینی و یا طبیعی بوده‌اند.

۲. با مقایسه تطبیقی میان اعلامیه حقوق بشر اسلامی با «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، می‌توان دریافت که اعلامیه حقوق بشر اسلامی با تأکید بر اصول و قوانین شریعت، سعی در حفظ ارزش‌های دینی و اخلاقی دارد. این رویکرد، هرچند که ممکن است با برخی از اصول جهانی حقوق بشر در تعارض باشد، اما تلاش می‌کند حقوق و آزادی‌ها را در راستای اعتقادات مذهبی و حفظ نظم اجتماعی تبیین کند. به‌ویژه با بهره‌گیری از اصول منطق و فقه، همچون قیاس اولویت و دلالت‌های

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

مختلف، این اعلامیه تلاش دارد تا هم‌زمان با حفظ کرامت انسانی، هماهنگی لازم میان حقوق بشر و شریعت را برقرار کند. ازاین‌رو، اعلامیه حقوق بشر اسلامی می‌تواند الگویی مناسب برای جوامع اسلامی باشد که به دنبال حفظ هویت دینی و فرهنگی خود در عصر جهانی شدن هستند.

۳. فقدان ضمانت اجرای کیفری در موارد مصرحه در اعلامیه مزبور، ناشی از این است که هم «حقوق بین‌الملل» و هم «اعلامیه‌ها» اعم از سیاسی و معاهده‌ای، دارای کارکرد، قدرت اجرایی و ماهیت معین و محدودی هستند و هنوز از حیث اثرگذاری، اینقدر شخصیت و موجودیت پیدا نکرده‌اند تا بتوانند ضمانت اجرای کیفری را بیان کنند. علت این است که دولت‌ها، عموماً این گرایش را دارند که اراده مجالس ملی (قوه مقننه) خود را محدود نکنند؛ زیرا این قبیل امور (جرم‌انگاری، تعیین مجازات قانونی معین و اجرای کیفر به موجب صریح قانون) در زمره «امور حاکمیتی» هستند. البته وقتی به مصادیق و احکام مندرج در اعلامیه می‌نگریم، متوجه می‌شویم که عموم احکام مندرج در آن در قوانین ملی، دارای ضمانت اجرای کیفری بوده یا شده‌اند اما متفاوت بودن کیفیت مجازات‌ها و متشتت بودن رویکردها و رویه‌ها در اموری که صبغه شرعی نیز دارد، چندان پسندیده نیست.

منابع

- قرآن
- ابدی، علیرضا؛ آگاه، وحید و ابدی، سعیدرضا. (۱۳۹۲).تحلیل حقوقی و اندازه‌گیری کاستی‌های کار شایسته در ایران، مجله پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۳۹.
- ابن تیمیهٔ. (۱۹۶۱). اسبوع الفقه الاسلامی، دمشق.
- اسماعیلی، محسن. (۱۳۸۷). آزادی تبلیغات بازرگانی و محدودیت‌های آن از دیدگاه حقوق بین‌الملل، ایران و اسلام، فصلنامه علمی رسانه، دوره ۱۹، شماره ۳.
- الفاضل مقداد. (۱۴۰۴ ه.ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۲، مکتبهٔ آیت‌الله المرعشی النجفی ره.
- افتخارجهرمی، گودرز. (۱۳۸۸). حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰.
- انصاری، باقر؛ امامی‌الطریقی، سیده مهلا. (۱۳۹۹). آزادی بیان و تحریک به تبعیض نژادی، دوره ۲۳، شماره ۹۱.
- باقی نصرآبادی، علی. (۱۳۸۷) ولایت و ولایتمداری از دیدگاه شهید مطهری، نشریه حصون، ش ۱۵.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

- راعی، مسعود. (۱۳۸۲). الحاق به کنوانسیون، از منظر موافقان و مخالفان، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۰.
- رحمانی، زهره. (۱۴۰۰). مفهوم و ارکان کار شایسته، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۵.
- رحمانی، علی و هاشمی، سیّد محمد. (۱۳۹۷) حمایتهای اجتماعی در کار شایسته، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هجدهم، شماره ۶۹.
- رهنما، مجید. (۱۳۵۰). مسائل کشورهای آسیایی و افریقایی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- زبیدی، حیدر؛ امامی، کریم؛ محمدی، تیمور و غفاری، فرهاد. (۱۴۰۱). اثرات اقتصاد کلان تبعیض جنسیتی در بازار کار ایران: مدل تعادل عمومی پویای تصادفی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۲۶، شماره ۱۰۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۵۱). دانشنامه حقوقی، جلد ۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۲، بی جا.
- خطیبی کوشککک، محمد و همکاران. (۱۳۸۶). فرهنگ شیعه، جلد ۱، صص ۴۶۰-۴۵۹، انتشارات زمزم هدایت.
- خورسندیان، محمدعلی و چیت‌ساز، فاطمه. (۱۳۹۴). مبانی مسؤولیت ناشی از تبلیغات بازرگانی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۲.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲ ه.ق) وسائل‌الشیعه، جلد ۱۱، دار احیاء التراث العربی.
- حرّ عاملی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ ه.ق) جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، آل البیت.
- حسینی، سیّد ناصر؛ محدث، جواد و امیری، الهام (۱۳۸۳). شاخص‌های کار شایسته، ترجمه، چاپ اول، انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- حسینی دشتی، سیّد مصطفی. (۱۳۸۵). معارف و معاریف، جلد ۵، شماره ۲۳۳۴، انتشارات اندیشه مولانا.
- حکّاک، محمد؛ اکبری پشم، فاطمه و سلگی، زهرا. (۱۳۹۷). تأثیر تبعیض جنسیتی و عدالت سازمانی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار با میانجیگری، صلنامه گردشگری و توسعه، سال هفتم، شماره ۴.
- حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۷). مبانی مالکیت فکری، چاپ دوم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سمیعی، محمد. (۱۴۰۱). آزادی بیان در جامعه اسلامی بر اساس تفسیری متفاوت از امر به معروف و نهی از منکر، نشریه اسلام و علوم اجتماعی، دوره ۱۴، شماره ۲۸.
- سلیمانی، سعید و انجو، سید علی. (۱۴۰۱). اعتبارپژوهی آزمایش‌های پزشکی در حوزه مسائل فقهی، مجله پژوهش در دین و سلامت، سال هشتم شماره ۳.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

- سلیمی ترکمانی، حجّت. (۱۳۹۸). حقّ بر ادارهٔ مطلوب از منظر منشور حقوق بنیادین اتحادیهٔ اروپا و منشور حقوق شهروندی ایران، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۱.
- شافعی حلبی، ابوالفرج. (۱۴۲۷ ه.ق). السیرة الحلبیه، ج ۳، چاپ دوم، دارالکتب العلمیه.
- شریعتی، سعید. (۱۳۸۴). حقوق ملت و دولت در قانون اساسی، چاپ اول، کانون اندیشه جوان.
- شمس ناتری، محمدابراهیم و قنبریان بانوئی، منصوره. (۱۳۹۰). مفهوم و ماهیت‌شناسی تبعید، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲، دوره جدید.
- شهبازی، کیومرث؛ بادپیما، جلیل و رضائی، ابراهیم. (۱۳۹۴). تحلیل رابطه متقابل بین کارگر و کارفرما در بازنشستگی تشویقی بازی‌های پویا، فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی، دوره ۶، شماره ۱۹.
- شهید ثانی. (۱۴۲۳ ه.ق). مسالك الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۳، مؤسسهٔ المعارف الاسلامیهٔ.
- صالح‌احمدی، سعید و صالح‌احمدی، سحر. (۱۴۰۲). حقوق وکالت دادگستری در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم.
- صالح‌احمدی، سعید. (۱۴۰۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهارم، انتشارات کتاب آوا.
- صالح‌احمدی، سعید. (۱۴۰۲). قانون تجارت الکترونیکی در نظم حقوقی کنونی، چاپ ۲، انتشارات گالوس.
- صالح‌احمدی، سعید. (۱۴۰۲). قانون کار در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهارم، انتشارات کتاب آوا.
- صالح‌احمدی، سعید. (۱۴۰۳). حقوق مالکیت فکری در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، انتشارات کتاب آوا.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۹۹). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ نهم، انتشارات دانشگاه تهران.
- عادل، مرتضی. (۱۳۹۵). مسؤولیت ناشی از تبلیغات خلاف واقع، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲.
- عراقی، سیّد عزت‌الله. (۱۳۸۸). حقوق کار، چاپ نهم، انتشارات سمت.
- علی بن ابی طالب، گردآوری: السید الرضی، نهج البلاغه، تحقیق: الحسّون، نامه ۳۱، بی‌جا.
- غلامی، نبی‌الله؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۳۹۶). ضمانت اجرای کیفری گروگان‌گیری در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۹، سال پنجم.
- قاضی، سیّد ابوالفضل. (۱۳۸۴). بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ بیست‌وششم، نشر میزان.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

- فانی، کامران؛ خرمشاهی، بهاءالدین و دیگر همکاران. (۱۳۹۱). دائرةالمعارف تشیع، جلد ۲، نشر حکمت.
- کاظم‌پور، سید جعفر. (۱۳۹۲). راهکارهای حمایت از طرف ضعیف قرارداد: مفهوم، مبانی و رویکردها، چاپ اول، انتشارات فکرسازان.
- محقق داماد، سید مصطفی. دانشنامه بزرگ اسلامی، جلد ۹، انتشارات مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- محمدتقی‌زاده، مهدیه؛ صالح‌احمدی، سعید. (۱۴۰۲). حقوق تطبیقی و فقهی خانواده در نظم حقوقی کنونی، چاپ سوم، انتشارات گالوس.
- مقامی، امیر؛ میرزاده کوهشاهی، نادر و امیرشاکرمی، مریم‌سادات. (۱۴۰۲). ابعاد حق استراحت و فراغت کارگران در اسناد بین‌المللی، مجله مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه و سوم، شماره ۳.
- ملکوتی، سید حسین؛ ناصری، علیرضا و قاسم‌آبادی، مرتضی. (۱۳۹۵). محدودیت‌های آزادی بیان در اعلامیه حقوق بشر اسلامی حقوق بشر با رویکرد به اسناد بین‌المللی، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۵۰.
- منتظری، حسینعلی. (۱۳۸۷) پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر، ج ۱، چاپ ۱، انتشارات ارغوان دانش.
- وکیل، امیرساعد و عسکری، پوریا. (۱۳۸۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظم حقوق کنونی، چاپ سوم، انتشارات مجد.
- هاشمی بهرمانی، اکبر و برخی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، ج ۷، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۵). فرهنگ فقه فارسی، ج ۴، چاپ دوم، موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی.
- هرندی، فاطمه؛ فلاح محسن‌خانی، زهره. (۱۳۸۵). وضعیت نابرابری جنسیتی در بازار کار ایران با استفاده از نماگرهای کار شایسته، نشریه علمی برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۱۱، ش ۵.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]